

ادب حضور

(دفتر اول)

اسرار ماه رجب و مراقبات و مناسک آن

همراه با آداب اعتکاف

استاد محمد تقی فیاض بخش

مؤسسه‌ی فرهنگی هنری جلوہ‌ی نور علوی علیہ السلام

تلفن: ۳۳۹۸۷۹۹۰ و ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: www.jelveh.org

کانال تلگرام: <https://telegram.me/JelvehNoorAlavi>

سامانه‌ی پیامکی: ۰۲۱۳۳۹۸۷۹۹۰

فهرست مطالب

فصل اوّل: مقدمه‌ای در ارجمندی و حرمت ماه رجب	۵
دلیل نام‌گذاری ماه رجب	۵
ضرورت رعایت «حریم الهی» در این ماه	۵
عصیان پروردگار؛ اهانت به حقیقت انسانی	۷
در این ماه، گناه و ثواب مضاعف بر ماه‌های دیگر حساب می‌شود.	۱۰
لزوم کم کردن کارها برای عبادت	۱۶
فصل دوم: ماه رجب؛ سرآغاز ورود به مراتب عالی توحید	۱۹
ماه‌های رجب و شعبان و بیست روز اول ماه رمضان، مقدمه‌ی درک شب‌های قدر هستند.	۲۱
ندای مَلک داعی در شب‌های ماه رجب	۲۲
فصل سوم: دستورات و مراقبات ماه رجب	۲۸
نماز شب؛ مرقات اهل سلوک	۲۹
یک مسئله‌ی کنترلی مهم	۳۲
ارزشمندترین کار در ماه رجب؛ اهتمام به نمازهای یومیه	۳۴
اهتمام به نمازهای یومیه؛ مهم‌تر از خواندن نماز شب	۳۴
روایاتی پیرامون حضور قلب در نماز	۳۷
روش عملی تحصیل حضور قلب در نماز	۳۸
مراقبه؛ اصلی‌ترین دستور در سلوک	۴۰
دستور عملی مراقبه	۴۰
مراقبه‌ی زبان؛ امّ‌المراقبات	۴۳

- گناه شناسی؛ لازمه‌ی مراقبه ۴۵
- توسل و تعهد با اهل بیت عصمت علیهم‌السلام برای اصلاح اعمال ۴۸
- فضیلت روزه‌ی ماه رجب ۵۲
- فضیلت تحصیل معرفت در ماه رجب ۵۳
- فضیلت قرائت دعای ناحیه‌ی مقدّسه در ماه رجب ۵۴
- لیلة الرغائب ۵۴
- شب و روز مبعث ۵۶
- فصل چهارم: مختصری پیرامون اعتکاف ۵۹
- مختصری پیرامون عزلت ۵۹
- مرتبه‌ی اوّل عزلت: دوری از اهل معصیت ۶۰
- مرتبه‌ی دوم عزلت: عزلت از اهل دنیا (خلوت خاص) ۶۱
- مرتبه‌ی سوم: خلوت اخصّ خواص ۶۳
- شرایط مکان اعتکاف ۶۵
- ۱- به حدّاقل رسانیدن عوامل مزاحم ذکر ۶۵
- ۲- صمت خاص و یا سکوت مطلق ۶۷
- ۳- سَهَر و بهره‌مندی از نماز شب ۶۸
- فکرو برنامه‌ریزی برای آینده ۶۹
- مختصری درباره‌ی عمل امّ‌داوود ۷۰

فصل اول: مقدمه‌ای در ارجمندی و حرمت ماه رجب

دلیل نام‌گذاری ماه رجب

«رجب» در لغت به معنای بزرگداشت امری است و «ترجیب» یعنی تعظیم. وجه تسمیه‌ی این ماه به رجب، آن بود که قبل از اسلام و در میان اعراب جاهلی نیز مورد تعظیم و احترام بوده و جنگ و خون‌ریزی را به احترام این ماه رها می‌کردند.

یکی دیگر از اسامی ماه رجب «اصب» است. «صب الماء» یعنی آب با شدت از بلندی بر چیزی فرود آید. از آن جا که در ماه رجب رحمت الهی با شدت و وسعت بر امت اسلام نازل می‌شود، این ماه را بدین اسم نامیدند؛ چنان‌که این معنا در روایت مشهور «ملک داعی» نیز قابل مشاهده است. بعد از این، دست من و دامن آن سرو بلند

خاصه اکنون، که صبا مژده‌ی «فروردین» داد

ضرورت رعایت «حریم الهی» در این ماه

در اسلام نیز ماه رجب از جمله «ماه‌های حرام» شمرده شده. مرحوم میرزا جواد آقا^۱ ذیل مراقبات ماه رجب می‌نویسد:

۱. آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (۱۲۷۴-۱۳۴۳ ه.ق)، عالم و فقیهی متبحر بود. ایشان در تهذیب نفس و سیر و سلوک توحیدی از شاگردان برجسته‌ی ملا حسین‌قلی همدانی محسوب می‌شد. نقل شده که وقتی امام خمینی (پس از پیروزی انقلاب) به قم عزیمت کردند و به زیارت قبرستان شیخان و مزار میرزا جواد آقا رفتند، با تحت الحنک خود غبار سنگ قبر را پاک کردند و مشغول قرائت فاتحه شدند؛ ایشان می‌فرمود: «در قبرستان قم یک مرد خوابیده و او حاج میرزا جواد آقا تبریزی است!» از آنجا که کتاب «المراقبات» ایشان بسیار مورد توجه اساتید و بزرگان سیر و سلوک بوده و شاگردان خود را به خواندن آن دستور می‌دادند، ما در این اثر از این کتاب ارجمند بهره‌ی فراوان برده‌ایم. علامه‌ی طباطبایی درباره‌ی مراقبات می‌فرماید: «این کتاب

«از دیگر مراقبت‌ها در این ماه این است که سالک معنی ماه حرام را بداند؛ تا مواظب تمام کارها و حالت‌ها و حتی اموری که وارد قلبش می‌شود باشد.»^۱

لذا در اینجا شرح مراقبات ماه رجب را از تبیین اسرار حرمت آن آغاز می‌کنیم.

مرحوم سید بن طاووس^۲ در ابتدای مراقبات ماه رجب می‌فرماید: ماه حرام از رسوم بر جای مانده از دوران قبل از اسلام است؛ آن هنگام که اعراب جاهلی به بهانه‌های واهی به جنگ و غارت یکدیگر می‌پرداختند (چنان‌که جنگ‌های یک‌صد ساله میان دو قبیله‌ی اوس و خزرج در مدینه معروف است)، با هم پیمان بستند که در چهار ماه از سال، جنگ و خون‌ریزی را کنار بگذارند و به زندگی شخصی و امور قبیله‌ی خود و زن و فرزندانشان سرو سامانی دهند؛ و خلاصه آنکه مدّتی را در آرامش بگذرانند.

دریایی است پراز مروارید که در پیمانه نگنجد و نویسنده‌ی آن بدون شک الگوی بلندمرتبه و والامقامی است که قدر و ارزشش با مقیاس اندازه نمی‌شود...

۱. المراقبات (ط. اخلاق، ۱۳۸۵ ه. ق.)، ص ۱۰۴.

۲. رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ ه. ق.)، معروف به سید بن طاووس، از جمله علمای بزرگ شیعه است. نقل شده که ایشان مفتخر به زیارت حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الغیبت گردیده بود. مرحوم علامه‌ی حلی (شاگرد ایشان) جناب سید را «صاحب کرامت» و علامه‌ی مجلسی ایشان را «جمال العارفین» معرفی می‌نمودند. مرحوم محدث قمی نیز سید بن طاووس را با «پیشوای عارفان، چراغ شب‌زنده‌داران و صاحب کرامات» یاد نموده. مرحوم سید علی آقای قاضی درباره‌ی سید بن طاووس می‌فرماید: «سه نفر در طول تاریخ عارفان، به مقام تمکّن در توحید رسیده‌اند: سید بن طاووس، احمد بن فهد حلی و سید مهدی بحر العلوم».

ایشان صاحب آثار متعددی است که اغلب مورد توجّه ویژه‌ی بزرگان و علمای ما بوده است؛ از جمله‌ی آنها، کتاب «اقبال الاعمال» است. این کتاب، مانند مفاتیح الجنان، حاوی ادعیه و اعمال سال و زیارات معصومین علیهم‌السلام است. از آنجا که این کتاب مورد توجه ویژه‌ی اساتید اخلاق و عرفان بوده، عمده‌ی دستورات و اعمال در کتاب پیش رو با اقتباس از آن می‌باشد.

ایشان می‌فرماید: عرب جاهلی حرمت ماه رجب را حفظ می‌کرد، پس مؤمن نیز باید حرمت این ماه را نگه دارد و در این ماه با پروردگار به مخاصمه برنخیزد!^۱

جنگ با پروردگار یعنی شکستن عهد بندگی پروردگار و پیروی از هوای نفس و اطاعت از دشمن انسان و پروردگار؛ یعنی «شیطان رجیم»:

﴿الَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ اِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾
وَ اِنْ اَعْبُدُونِيْ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ﴾^۲

ای بنی آدم، آیا من از شما پیمان نگرفتم که شیطان را نپرستید؟! که او دشمن آشکار شماست؟! و مرا بپرستید که تنها این راه صراط مستقیم است؟

دوستی با شیطان و عصیان الهی به معنای اعلان جنگ و دشمنی با پروردگار است.

بنابراین، اولین و مهم‌ترین دستور در این ماه، «مراقبه» برگناهان است؛ که در چنین فرهنگی، حفظ حرمت این ماه به معنای اعلام صلح با پروردگار است.

عصیان پروردگار؛ اهانت به حقیقت انسانی

رسول اکرم ﷺ در حدیثی قدسی می‌فرمایند:

«قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا، فَقَدْ أَرَصَدَ لِمَحَارَبَتِي...»^۱

۱. إقبال الأعمال (ط، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ج ۲، ص ۶۲۸.

۲. یس، ۶۰ و ۶۱.

هر کس که ولّیتی از اولیای مرا خوار بدارد، با من اعلام جنگ کرده است.
«وهن» در روایت شریفه به معنی توهین به یکی از مؤمنین یا اولیای الهی علیه السلام یا ناسزا گفتن به ایشان و یا بالاتر از همه، با او وارد جنگ شدن است.

اما اگر با نگاهی جامع به این حدیث توجه شود، عصیان الهی به معنای بی‌اعتنایی به گوهر فطرت توحیدی انسان و اهانت به او است. به این ترتیب، ارتکاب گناه به منزله‌ی اعلام جنگ با فطرت توحیدی خودمان است. چه ولّی بالاتر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؟ چه ولّی بالاتر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله؟ ارتکاب ما به گناه، اعلام جنگ کردن با این بزرگواران است. با این توضیحات، می‌توان گفت کسی که «فطرت توحیدی» خود را با گناه خوار می‌کند، بهترین ولیّ خدا را تحقیر نموده و با خدای خود اعلام جنگ کرده است.

در ادامه‌ی این روایت آمده:

«...أَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي.»

من سریع‌ترین کس در یاری اولیای خویش هستم.

به همین دلیل است که خداوند در قرآن، آن هنگام که از امت‌های عاصی مانند عاد و ثمود و یا قوم فرعون و نمرود نام می‌برد و عظمت قدرت و تمدّن آنها را ذکر می‌کند، در عبارتی کوتاه، طومار هستی آنان را در هم می‌پیچد و می‌فرماید:

۱. الکافی (ط. الإسلامية، ۱۴۰۷ ه. ق.)، ج ۲، ص ۳۵۱.

﴿فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ﴾^۱

ناگهان تازیانه‌ی عذاب الهی آنان را در بر گرفت.

تا روشن شود که خداوند همیشه در کمین گناه‌کاران است تا در موقع مناسب ایشان را ادب کند.

سپس به اصلی کلی اشاره می‌نماید که:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾^۲

پروردگارت در کمین گناه‌کاران است.

«مرصاد» به کمین‌گاهی گفته می‌شود که شکارچی در آن مخفی می‌گردد تا در فرصت مناسب، ناگهان به صید حمله‌ور شود. ما نمی‌دانیم تازیانه‌ی خشم الهی کی بر سر ما فرود می‌آید؛ لذا همیشه باید در حال توبه و انابه باشیم.

مرحوم سیّد در اقبال می‌فرماید که ماه‌های حرام، ایام اعلام صلح با پروردگار است؛ تا حداقل در این ماه با خداوند به ستیز برنخیزیم.

اولین قدم در صلح با پروردگار، حسابرسی وضعیت خود است. به همین منظور، لازم است که در این ماه بیش از پیش به خود رسیدگی نماییم.

۱. فجر، ۱۳.

۲. فجر، ۱۴.

در این ماه، گناه و ثواب مضاعف بر ماه‌های دیگر حساب می‌شود.

نکته‌ی دیگر درباره‌ی ماه‌های حرام آن‌که: در این ایام، دیه‌ی جراحات دو برابر حساب می‌شود؛ یعنی کسی که قتل نفس کند یا به دیگری صدمه‌ای وارد سازد، باید دو برابر ماه‌های دیگر دیه پرداخت کند. این قانون در خطاهای امور ظاهری است. از آنجا که احکام ظاهری برگرفته از مصالح و مفاسد حقیقی است، اهل معنا از این حکم ظاهر نتیجه گرفتند که اگر شکستن حرمت ایام حرام به حسب ظاهر دو برابر عقاب دارد، جراحات باطنی - یعنی گناهایی که روح و قلب را مجروح می‌کند - به طریق اولی در این ماه دو برابر نزد پروردگار عقاب دارد. به عبارت دیگر، همان طور که در ماه‌های حرام عبادت ارزش بیشتری دارد، حریم شکنی درگاه الهی نیز عقاب سخت‌تری دارد. کسی که در ماه رجب حریم الهی را حفظ نکند، مانند کسی است که در حریم حرم مسجد الحرام، حرمت خانه‌ی خدا را حفظ نکرده و چنین فردی جرمش سنگین‌تر است.

خداوند درباره‌ی شکستن حرمت حریم حرم خدا با شکار حیوانات می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بِالْغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهُ﴾^۱

۱. مائده، ۹۵.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکار را در حال احرام به قتل نرسانید؛ و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفّاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛ کفّاره‌ای که دو نفر عادل از شما معادل بودن آن را تصدیق کنند؛ و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد، یا (به جای قربانی) اطعام مستمندان کند، یا معادل آن روزه بگیرد تا کیفر کار خود را بچشد.

این آیه‌ی شریفه اشاره به حکم کسانی دارد که در محدوده‌ی مسجدالحرام، حرمت خانه‌ی خدا را می‌شکنند و به شکار حیوانات می‌پردازند. خداوند می‌فرماید: اگر کسی در محدوده‌ی حرم الهی حیوانی را شکار کند، باید معادل آن حیوان کفّاره بدهد، تا تلخی این حریم‌شکنی را بچشد. در ادامه‌ی آیه، هشدار به کسانی داده شده که حریم حرمت الهی را برای بار دوم می‌شکنند؛ خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾^۱

و هر کس تکرار کند، خداوند از او انتقام می‌گیرد و خداوند توانا و صاحب انتقام است.

عدم ذکر کفّاره در اینجا، به این معنا نیست که تخفیفی قائل گردیده، بلکه اشاره به شدّت عذاب پروردگار دارد. به عبارت دیگر، اگر کفّاره‌ی گناه برای تنبیه خاطی است، اگر کسی برای بار دوم و یا بیشتر گناه را تکرار کرد، گویی تأدیب او موکول به سرای دیگر می‌شود و عذاب دنیوی برایش کافی

۱. مائده، ۹۵.

نیست. لذا اگر کسی در حرم خدا دو مرتبه صید کند، خداوند از او انتقام می‌گیرد.

با این توضیحات می‌توان گفت که عقوبت الهی در ماه‌های حرام بیشتر می‌شود. مثلاً ماه شعبان تعلق به رسول خدا ﷺ دارد و خداوند درباره‌ی حریم شکنی رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدای خود را فراتر از صدای پیامبر ﷺ نکشید، و در برابر او بلند سخن مگویید (وداد و فریاد ننزید)؛ آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی می‌کنند. مبدا اعمال شما نابود شود؛ در حالی که نمی‌دانید.

نهی آیه‌ی شریفه از بلند کردن صدای خود در برابر پیامبر ﷺ، یعنی اهتمام به رعایت ساحت ایشان و حفظ ادب. ﴿لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ﴾ یعنی مبدا بی‌ادبانه با پیغمبر ﷺ صحبت کنید، مبدا جهر به قول داشته باشید؛ که هر کس حریم رسول خدا ﷺ را حفظ نکند، اعمالش حبط می‌گردد.

حال سؤال این جاست که حفظ حریم ظاهری پیغمبر ﷺ واجب‌تر است یا حریم باطنی ایشان؟ ماه شعبان حرم پیغمبر ﷺ است و ماه رجب حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، ماه رمضان نیز حرم پروردگار است. لذا هر کس در این حرم بی‌ادبی کند، جرمش دوچندان و عقابش بیشتر است. چنان‌که اگر

۱. حجرات، ۲.

کسی در این حرم ادب به خرج دهد، مدارج تعالی را سریع‌تر طی می‌کند. بنابراین، اصل اولی در ماه رجب که اول ماه‌های حرام در سال قمری است، حفظ حرمت حریم این ماه می‌باشد و چنان‌که جنگ با دیگران در این ماه حرام است، جنگ با خداوند و ارتکاب گناه حرمت بیشتری دارد.

نکته‌ی ظریف دیگری که مرحوم سید بن طاووس در کتاب اقبال الاعمال پیرامون حرمت ماه رجب ذکر می‌کند آنست که اگر ماه رجب از ماه‌های حرام است، یعنی «فرق‌گاه» الهی است و بندگان در این ماه در حریم امن پادشاهی مقتدر قرار دارند که اجازه نمی‌دهد شیاطین و دشمنان بر آنان یورش ببرند. بنابراین بر ما لازم است که اولاً بکوشیم از این حرم امن الهی حداکثر بهره را در کسب کمال ببریم؛ که معلوم نیست اگر به خود واگذار شویم، تا چه مقدار بتوانیم از شرور دشمنان در امان باشیم. و از سوی دیگر، تلاش نماییم تا به گونه‌ای عمل کنیم که با خروج از این ماه، از درگاه مولی و حرم الهی رانده نشویم و همچنان در تحت ولایت مولای خود باقی بمانیم.^۱

مرحوم آیت‌الله سید علی آقای قاضی^۲، در آستانه‌ی ماه‌های رجب، شعبان و رمضان، در نامه‌ای خطاب به شاگردان می‌نویسد:

۱. إقبال الأعمال (ط. دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ هـ.ق.)، ج ۲، ص ۶۸۲.

۲. آیت‌الله سید علی قاضی طباطبایی (۱۳۲۵-۱۴۴۸ ه.ش. / ۱۳۶۶-۱۴۸۵ ه.ق.)، فقیه، حکیم و عارفی کم‌نظیر بود؛ چنان‌که مرحوم سید هاشم حداد، از عرفای معاصر و شاگرد ایشان می‌گوید: «از صدر اسلام تا کنون عارفی به جامعیت قاضی نیامده است... آقای قاضی یک عالمی بود که از جهت فقاہت بی‌نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث بی‌نظیر بود. از جهت تفسیر و علوم قرآنی بی‌نظیر بود، حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن؛ و در مجالس فاتحه‌ای که احياناً حضور پیدا می‌نمود، کمتر قاری قرآن بود که جرات خواندن در حضور وی را داشته باشد؛ چرا که اشکال‌های تجویدی و نحوه‌ی قرائتشان را می‌گفت.»

علامه‌ی طباطبایی نیز درباره‌ی ایشان می‌فرمود: «ما هر چه داریم از قاضی داریم... قاضی در تفسیر قرآن کریم ید طولایی داشت و این سبک تفسیر آیه به آیه را قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر المیزان، از مسیر و روش ایشان پیروی می‌کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که فقه الحدیث گویند از ایشان آموخته‌ایم.»

«...هان ای برادران عزیز و گرامیم - که خدای شما را در طاعت خود موفق بدارد - آگاه باشید! متوجّه و هشیار باشید که ما در قرقگاه داخل شده ایم و همان گونه که در زمین های حرم باید از محرمات اجتناب نمود و ارتکاب يك سلسله اعمالی که در حرم جرم نیست در آنجا جرم محسوب می شود، در این ماه ها هم که قرقگاه زمانی محسوب می شود چنین است و باید با هشیاری و مواظبت در آن وارد شد، و به همان نحو که در قرقگاه مکانی که حرم است، انسان به کعبه نزدیک می شود، در این ماه ها هم که قرقگاه زمانی است، انسان به مقام قرب خداوند می رسد. پس چقدر نعمت های پروردگار بر ما بزرگ و تمام است؟! و او هرگونه نعمتی را بر ما تمام نموده است.

پس حال که چنین است، قبل از هر چیز، آنچه که بر ما واجب و لازم است، توبه ایست که دارای شرایط لازمه و نمازهای معلومه است.^۱ و پس از توبه، واجب ترین چیز بر ما پرهیز از گناهان صغیره و کبیره است؛ تا جایی که توان و قدرت و استطاعت داریم.

پس (ای برادران عزیز)، دستور توبه را در شب جمعه ی اوّل ماه (رجب) یا روز جمعه و یا روز یکشنبه ی آن انجام داده، نماز توبه را بخوانید؛ سپس آنها را در روز یکشنبه ی دوّم همان ماه تکرار و اعاده نمایید.

ایشان از شاگردان شیخ محمد بهاری و سیّد احمد کربلایی بود که آن بزرگواران نیز از شاگردان مرحوم ملا حسین قلی همدانی بودند. از همین رو، مکتب تربیتی و سلوکی ایشان را به نام ملا حسین قلی همدانی می شناسند.

بسیاری از علما و بزرگان اخلاق و سیر و سلوک که در روزگار معاصر منشأ اثرات و تحولات عمیقی بوده اند، جزو شاگردان سید علی آقای قاضی محسوب می شوند؛ شخصیت هایی همچون علامه ی طباطبایی، سیّد هاشم حداد، آیت الله دستغیب، آیت الله بهجت و...

۱. مقصود همان دستور توبه ایست که رسول خدا ﷺ در ماه ذی القعدة داده اند و ما در صفحه ی ۴۱ ذکر کردیم.

سپس ملتزم شوید به مراقبه، چه مراقبه‌ی صغری (باز داشتن نفس از آنچه که خداوند بدان راضی نیست) و چه مراقبه‌ی کبری (نگاه داشتن دل از آنچه محبوب نمی‌پسندد).

و نیز خود را وادار به محاسبه و معاتبه^۱ و معاقبه^۲ به آن چیزی که شایسته و سزاوار است نمایید. پس به راستی هر کسی که در صدد متذکر شدن به ذکر حق و در مقام خشیت از ذات اقدس حضرت حق متعال بوده باشد، می‌تواند از راه مراقبه و محاسبه و معاتبه و معاقبه متذکر گردد.

پس از این مرحله، با دل‌های خود به خداوند روی آورده، بیماری‌های گناهانتان را معالجه و مداوا نمایید و به وسیله‌ی استغفار، بزرگی و سنگینی عیوب خود را کاهش دهید.

و پرهیزید از اینکه حریم الهی را بشکنید و پرده‌های حجاب را بالا زده، حرمت حرم را هتک نمایید. زیرا به راستی چنین شخصی در نظام تکوین بی‌آبرو و مهتوک است، گرچه خداوند کریم از روی کرمش، به حسب ظاهر آبروی او را حفظ نماید؛ و همین جزای اوست و نیازی به مجازات پروردگار ندارد...»^۳

۱. سرزنش نمودن در صورت لغزش.

۲. تنبیه نمودن نفس در صورت ارتکاب خلاف.

۳. مکتوبات، مراسلات، مقالات، ص ۱۸۸. آیت‌الله سید محمد حسین حسینی طهرانی، این دستور را در سال آخر عمر شریف خویش، در یکی از جلسات برای خواص اصحاب خود و از روی نسخه‌ی خطی مرحوم سید علی آقای قاضی به نام «صفحات من تاریخ الأعلام» که به قلم فرزند ایشان نوشته شده است، بیان فرموده، به عمل و مداومت آن تأکید نمودند و مخصوصاً به طلابی که با ایشان مأنوس بودند، امر کردند آن را در دفتر خود ثبت نمایند.

مرحوم سید در اقبال موارد عدیده‌ای از داستان‌های عرب جاهلی و قبل از طلوع اسلام ذکر می‌کند که آن‌ها برای دعا و نفرین بردشمنانشان به انتظار فرا رسیدن ماه رجب می‌نشستند و اغلب نتیجه می‌گرفتند. با عنایت به این نکته‌ی لطیف، توصیه می‌شود که در این ماه به اصلی‌ترین دشمن مان یعنی شیطان، فراوان لعنت بفرستیم، و در مرحله‌ی بعد، برای نابودی دشمنان داخلی و خارجی اسلام و انقلابمان و برای نابودی کفر و نفاق داخلی و خارجی بسیار دعا کنیم.

لزوم کم کردن کارها برای عبادت

نکته‌ی دیگری که از حرمت ماه رجب استفاده می‌شود آنست که اگر اعراب جاهلی در همه‌ی اوقات سال پیوسته خود را درگیر جنگ و گریز می‌کردند، دیگر فرصت نمی‌یافتند به امور خود و قبیله‌شان رسیدگی کنند، لذا با هم قرار گذاشتند که چهار ماه سال را ماه‌های حرام اعلام کنند تا به امور شخصی خود بپردازند. به لحاظ باطنی نیز از ادعیه‌ی ماه رجب استفاده می‌شود که اگر مردم در سایر ماه‌ها گرفتار امور روزمره‌ی خود هستند و از محاسبه‌ی خود و رسیدگی به امور باطنی‌شان غافلند، لازم است که در این ایام از فعالیت دنیوی خود قدری بکاهند و به محاسبه و اصلاح امر آخرت خود بپردازند؛ و لذا با رؤیت هلال ماه رجب بخوانند:

«اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ»^۱

^۱. اقبال الأعمال (ط، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ج ۱، ص ۱۷.

خدایا! هلال [و آغاز] این ماه را همراه با ایمنی [از بلاها که مزاحم توجه به تو است] و ایمان [راستین به خودت] و سلامتی [از بیماری های ظاهری و باطنی] و تسلیم کامل در پیشگاهت قرار ده.

مرحوم میرزا جواد آقا می فرماید:

«از دیگر مراقبتها در این ماه این است که سالک بداند... سه ماه رجب، شعبان و رمضان ماه عبادت است. بنابراین سزاوار است طالبان علم در آن ماه ها عبادت را مقدم بر تحصیل علم نمایند؛ گرچه تحصیل علم نیز از برترین عبادتهاست.»^۱

این فرمایش میرزا جواد آقا بدین معناست که هرچند طلب علم برای همه واجب است و برای اهل علم از اوجب واجبات، ولی حتی براهل علم لازم است که در ماه رجب مقداری از این امور کم کنند و بیشتر به عبادت بپردازند. زیرا ثمره ی تحصیل علم که «معرفت» است، باید در عبادت ظاهر شود. و اگر کسی علمی را بخواند و محصول آن خضوع و خشوع در ظاهر و باطن نباشد، این علم حقیقی نیست؛ چرا که: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾^۲. و ایمان در کنار علم است که به انسان درجه می دهد: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾^۳ و الا ایمان بدون علم و علم بدون خشوع و خضوع فایده ای ندارد.

۱. مراقبات (ط. اخلاق، ۱۳۸۵ ه.ق.)، ص ۱۰۴.

۲. فاطر، ۲۸.

۳. مجادله، ۱۱.

اگر در ماه رجب چنین توصیه‌ای به اهل علم می‌کنند، برای غیر اهل علم، یعنی جماعت کاسب، جماعت خانه‌دار و دیگران، تکلیف روشن است. بنابراین هیچ حجّتی برای کسی وجود ندارد که بگوید من وقت نکردم در ماه رجب دعای رجبیه بخوانم، نماز بخوانم و یا کارهای مختلف انجام دهم. در ماه رجب به اذکار و اوراد و عبادات خاص این ماه پردازیم. اگر ماه رجب تعلق به مقام ولایت علوی علیه السلام دارد و امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام محبوب ماست، چگونه ممکن است ماهی که انتساب به محبوب دارد، بر کسی بگذرد و تغییری در رفتار و اعمال او حاصل نگردد؛ که اگر در محبت صادقیم، در ظرف محبوب باید عاشقانه عمل کنیم. علاوه بر این باید توجه نمود که مراتب طهارت یک باره حاصل نمی‌شود.

فصل دوم: ماه رجب؛ سرآغاز ورود به مراتب عالی توحید

از مجموعه‌ی بیانات بزرگان و نیز از دعا‌های ماه رجب و شعبان برمی‌آید که اصولاً این سه ماه (رجب، شعبان و رمضان) در طول سال فرصتی ویژه هستند تا طی آن، انسان خود را برای ورود به مراتب عالی توحید و مقام ولایت آماده کند. گویی ماه رجب سرآغاز ورود به صراط مستقیم توحید است. در کلام رسول خدا ﷺ آمده که:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.»

من شهر علم هستم و علی (علیه السلام) باب آنست؛ پس هر کس خواهان علم است، باید از باب آن وارد شود.

در این حدیث شریف، می‌توان علم را مترادف با «حکمت» دانست. و حکمت یعنی توحید ناب:

«يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱

توضیح آنکه: حکمت یعنی «علم ریشه‌دار»، و ریشه‌دارترین علوم در میان بشریت، علم توحید است. بعضی از علوم در مغز است و بعضی از علوم فقط سرزبان است و بعضی از علوم حال است و مقام نیست. اما بعضی از علوم، مقام هستند، آن هم در لایه‌ی اول؛ یعنی در اثر تکرار ملکه شده‌اند. اما بعضی علوم از ملکه شدن گذشته و جبلی انسان شده‌اند. به این علوم جبلی که ذاتی انسان شده‌اند، حکمت می‌گویند. لذا حکیم به ریشه‌دارترین علوم مزین شده است، و این چیزی نیست جز فطرت توحیدی انسان که جوهره‌ی

۱. بقره، ۲۶۹.

وجودی اوست. پس به هر علمی حکمت نمی‌گویند. بدین ترتیب می‌توان گفت بیان رسول خدا ﷺ که می‌فرماید: «من مدینه‌ی علم هستم» بدین معناست که ایشان «مدینه‌الحکمه» هستند.

اما هر کسی اجازه ندارد به این مدینه وارد شود. چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^۱

این توصیه‌ی روشن الهی اشاره به آن است که برای ورود به هرامری، باید از راه درست آن وارد شویم و برای بهره‌مندی از هدایت و علوم بی‌پایان نبوی ﷺ، باید از درب ولایت علوی ﷺ وارد شد. خصوصاً آنکه در این مقام از دیوار وارد شدن اصلاً معنا ندارد؛ چرا که دیواری برای خانه‌ی علوم اهل بیت ﷺ وجود ندارد. این خانه یک حصار بسته است و به جز از در آن، راهی برای ورود نیست و آن تنها در ولایت است.

در روایات آمده که رجب «ماه امیرالمؤمنین ﷺ» است، همچنین شعبان ماه رسول اکرم ﷺ ذکر شده،^۲ لذا گویی رجب باب ورود به ماه شعبان، یعنی ماه ولایت است. از همین روست که اغلب اذکار ماه رجب یا اذکار استغفاری است که بنده را آماده‌ی دریافت حکمت می‌نماید و یا اذکار توحیدی است. زیرا هر کس از در ولایت وارد شود، می‌تواند به شهر حکمت وارد شود. و حکمت، چنان‌که اشاره شد، علوم ناب توحیدی است. بدین ترتیب، انس دائمی با اهل بیت ﷺ و مقام ولایت، انسان را به ولایت الهی - یعنی ماه رمضان - می‌رساند. بنابراین، اگر کسی می‌خواهد تحت ولایت الله

۱. بقره، ۱۸۹.

۲. امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: «شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَشَعْبَانُ شَهْرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرَجَبُ شَهْرِي.» (وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۹۳)

واقع شود، باید تحت ولایت اهل بیت علیهم السلام واقع شود و باید از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام آغاز کند.

آنچه گفتیم را می توان تبیینی بر اسرار اعمال این سه ماه دانست. بر همین مبنا است که اهل معنا از بدو ورود به ماه رجب، خود را آماده ی ورود به ماه شعبان و سپس ماه مبارک رمضان می نمودند و البته این همه، مقدمه ای برای درک لیالی قدر است.

ماه های رجب و شعبان و بیست روز اول ماه رمضان، مقدمه ی درک

شب های قدر هستند.

سه ماه رجب، شعبان و رمضان مجموعاً ۹۰ روز است. اگر از این ایام دهه ی آخر ماه رمضان را کم کنیم، می شود ۸۰ روز. گویی انسان باید دو اربعین را طی کند تا به دهه ی آخر ماه رمضان برسد که اوج بهره مندی انسان از مقام ولایت خودش و لیالی قدر است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾. این ده روز آخر، دهه ی بهره مندی از مقام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و حضرت صدّیقه ی طاهره علیها السلام است. این ده روز، زمان بهره مندی است.

﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾^۱

در این آیه ی شریفه، خداوند به اربعین موسوی در دو بخش سی و ده روزه اشاره می فرماید تا بر اهمّیت هریک به طور جدا گانه تأکید نماید؛ به این

۱. اعراف، ۱۴۲.

ترتیب که هرچند نتیجه‌ی اربعینیات در اواخر آن حاصل می‌شود، ولی تحصیل استعداد با مراقبه‌ی دقیق از اوائل است؛ خلاصه آنکه اگر ۳۰ روز اول نبود، آن ۱۰ روز نیز نتیجه‌ای در بر نداشت.

به همین قرینه، هیچ کس نمی‌تواند از دهه‌ی آخر ماه رمضان بهره‌مند شود، مگر آنکه دو اربعین قبل از آن را به خوبی طی کند؛ اربعین اول ماه رجب و دهه‌ی اول ماه شعبان است و اربعین دوم، بیست روز از ماه شعبان و بیست روز از ماه رمضان است. به این ترتیب، انسان برای درک شب قدر و ده روز آخر ماه رمضان لیاقت پیدا می‌کند.^۱

ندای ملک داعی در شب‌های ماه رجب

بنا بر روایت منقول از رسول خدا ﷺ، شب‌های ماه رجب امتیاز خاصی نسبت به سایر اوقات آن دارد؛ چراکه خداوند از سرآغاز شب تا به صبح، ملکی به نام «داعی» را در آسمان هفتم قرار می‌دهد^۲ که ندا می‌دهد:

«عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي، فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلِكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ: طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ، وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسُ مَنْ جَالَسَنِي وَ مُطِيعُ مَنْ أَطَاعَنِي وَ غَافِرُ مَنْ اسْتَغْفَرَنِي، الشَّهْرُ شَهْرِي وَ الْعَبْدُ عَبْدِي وَ

۱. برای آشنایی بیشتر با اربعینیات و جایگاه آن در مراتب سیر و سلوک توحیدی، رجوع کنید به دفتر چهارم از همین مجموعه: ادب حضور در اربعین موسوی عليه السلام (آداب و مراقبات ذی‌قعدة و دهه‌ی اول ذی‌حجه)

۲. قرار گرفتن این ملک در آسمان هفتم نشان‌دهنده‌ی علو مرتبه‌ی اوست؛ چراکه عالم ذومراتب است و در هر مرتبه، ملائکه‌ی در خور آن مرتبه حضور دارند و آسمان هفتم، فقط جایگاه ملائکه‌ی مقربین است؛ چراکه دیگر فوق آن مرتبه‌ای نیست. لذا درمی‌یابیم که این صدا از عدنان عرش و بالاترین مراتب آسمان تا ادنی مرتبه‌ی آفرینش را در بر می‌گیرد.

الرَّحْمَةُ رَحْمَتِي، فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ وَمَنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي، فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ.^۱

خداوند در آسمان هفتم فرشته‌ای را منصوب فرموده که به او «داعی» (به معنای دعوت‌کننده) گویند. چون ماه رجب فرا رسد، آن فرشته از آغاز شب تا صبح ندا سر می‌دهد: خوشا به حال ذاکران و یادآوران خدا، خوشا به حال مطیعان. و خداوند تعالی می‌فرماید: من هم‌نشین کسی هستم که هم‌نشین من است، من مطیع کسی هستم که مطیع من است، من بخشنده‌ی کسی هستم که تقاضای بخشش کند. این ماه، ماه من و بنده، بنده‌ی من، و رحمت، رحمت من است. پس هر کس مرا در این ماه بخواند اجابتش می‌کنم، و هر کس از من چیزی طلب کند به او عطا کنم و هر کس از من طلب هدایت کند، او را هدایت می‌نمایم. و این ماه را ریسمانی بین خود و بندگانم قرار دادم، پس هر کس بدان چنگ زند به من می‌رسد.

مرحوم میرزا جواد آقا، بعد از ذکر این روایت شریف می‌نویسد:

«افسوس از کوتاهی ما در طاعت خدا! کجایند شکرگزاران؟! کجایند تلاشگران؟! آیا عاقلان توان فهم حق این ندای آسمانی را دارند؟! چرا جوابی نمی‌شنوم؟! کجایند عارفانی که می‌دانند کسی توان شکر این نعمت را ندارد؟! کجایند کسانی که اقرار به کوتاهی و عجز دارند که در

^۱. إقبال الأعمال (ط، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ص ۶۲۸.

جواب این منادی آسمانی بگویند: اجابت کرده و یاریت می‌کنیم... ای وعده دهنده‌ی سعادت! با خوش‌آمدگویی و کمال میل و جانفشانی ندای تورا اجابت می‌کنیم؛ زیرا ما را به تسبیح کردن مالک کریم خود توجه دادی و ما را ترغیب به اطاعت از مولای مهربان خود کردی و ما را به کرامت پروردگار رساندی. ای منادی! زبان حال افراد پست پاسخ می‌دهند که ما را بهره‌مند ساخته و بزرگ داشتی و دعوت به بزرگ‌ترین سعادت‌ها نمودی.

پستی و فساد و کوچکی ما کجا و تسبیح و تمجید خدایمان کجا! خاك کجا و خدای خدایان کجا! آلوده به پلیدی‌ها کجا و مجلس پاکان کجا! و اسیر در زنجیر کجا و منزل آزادگان کجا! ولی لطف پروردگار باعث شده تا به ما اجازه‌ی تسبیح خود را بدهد. و حکمت او ما را مشرف به این تکلیف کرده است. چه رسوایی بزرگی اگر بعد از این بخشش بزرگ، در تسبیح او کوتاهی و در فرمان‌برداری او سستی کنیم! چه آقای کریمی و چه بنده‌های پستی! چه خدای بردبار و چه بندگان کم‌عقلی!...»^۱

خطابات این روایت به گونه‌ای است که ما در سایر روایات مشابه آن را سراغ نداریم؛ که خداوند در یک ماه به بندگان بفرماید: کیانند که نیمه‌های شب از بستر برخیزند و با من مناجات کنند، خلوت کنند و من همنشین آنان گردم: «أَنَا جَلِيسُ مَنْ جَالَسَنِي»، خداوند در این تعبیر چنان خود را تنزل می‌دهد که انسان شرمنده می‌شود؛ می‌فرماید که من با شما مجالست می‌کنم، نه آنکه شما با من مجالست نمایید!

۱. المراقبات (ط. اخلاق، ۱۳۸۵ ه.ش)، ص ۹۶.

«وَالْعَبْدُ عَبْدِي»: چنین بنده‌ای (که در این نیمه‌های شب از بستر برمی‌خیزد و با من مناجات می‌کند) بنده‌ی حقیقی من و مستحق بهشت خواص اولیای من است: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي»^۱.
«وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي»: رحمتی که من در این شب‌ها بر بندگانم فرو می‌فرستم، رحمت خاص‌الخاص من است؛ رحمتی است که سالک را کامل و واصل می‌کند.

«فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ»: هر کس در این ماه مرا بخواند، جوابش را می‌دهم.

«وَمَنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ»: هر کس در این ماه از من چیزی بخواهد، به او می‌دهم؛ حتی اگر خود من را بخواهد به او می‌دهم؛ چراکه در ادامه می‌فرماید: «وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ»: هر کس از من هدایت خاص را بخواهد هدایتش می‌کنم. کسی که نیمه‌های شب، آن هم در ماه رجب، از بستر برخاسته و مشغول مناجات با خدای خود شده، مگر هدایت شده نیست؟ پس چرا در روایت می‌فرماید که از من هدایت بخواهد؟ این نشان می‌دهد که سالک در اینجا طالب هدایت خاص است؛ اگر هدایت نشده بود که نیمه‌های شب برای مناجات بر نمی‌خواست. چنان‌که خداوند در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ»^۲. خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند فرمان می‌دهد که ایمان بیاورند، اگر هر دو ایمان در یک رتبه بود، امر به تحصیل حاصل بود! و چنین امری از خداوند لغواست! پس مراد از آیه توصیه به مرتبه

۱. فجر، ۲۹ و ۳۰.

۲. نساء، ۱۳۶.

ی بالاتراز هدایت است. همان طور که در این جا می فرماید: «وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ».

و بعد می فرماید: «وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ...»: و من این ماه را ریسمانی بین خودم و بندگان خاصم قرار دادم؛ هر کس به این ریسمان چنگ بزند، بداند که به من متصل می شود.

لذا در حدیث قدسی است که خداوند خطاب به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام درباره ی نماز شب می فرماید:

«يَا ابْنَ عِمْرَانَ، هَبْ لِي مِنْ عَيْنِكَ الدَّمُوعَ وَمِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ وَمِنْ بَدَنِكَ الْخُضُوعَ، ثُمَّ ادْعُنِي فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ تَجِدُنِي قَرِيباً مُجِيباً. يَا ابْنَ عِمْرَانَ، كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي»

ای فرزند عمران، از چشمانت اشک هایت را و از قلبت خشوع و از بدنت خضوع را بر من هدیه کن و سپس مرا در تاریکی شب بخوان و قطعاً مرا نزدیک و اجابت کننده می یابی. ای فرزند عمران، دروغ می گوید آنکه می پندارد که مرا دوست می دارد، اما وقتی تاریکی شب او را فرا می گیرد، در خواب فرو می رود.

«أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خُلُوةَ حَبِيبِهِ؟ هَا أَنَا ذَا يَا ابْنَ عِمْرَانَ مُطَّلِعٌ عَلَى أَحِبَّائِي، إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ حَوَّلْتُ أَبْصَارَهُمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ مَثَّلْتُ عُقُوبَتِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ، يُخَاطَبُونِي عَنِ الْمُشَاهَدَةِ وَيُكَلِّمُونِي عَنِ الْحُضُورِ»^۱

^۱. إرشاد القلوب إلى الصواب (ط. الشريف الرضي، ۱۴۱۲ هـ ق)، ج ۱، ص ۹۳.

آیا نه این است که هر محبتی خلوت با محبوب خود را دوست می‌دارد؟
هان ای پسر عمران، این منم که بر دوستانم مطلع هستم، چون شب آنان
را فراگیرد، چشم دلشان را باز می‌کنم و عذاب خود را در برابرشان مجسم
می‌سازم و ایشان مرا مخاطب خود قرار می‌دهند، چنان‌که مرا در مقام
شهود مورد خطاب قرار می‌دهند و در مقام حضور گفتگو می‌نمایند.

پس ای عزیزان، اکنون که ماه رجب فرا رسیده و معشوق خود آمده و ما را
فرامی‌خواند، خود را مهیای خلوت با او و رازگویی با آن محبوب اول و آخر
نماییم.

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند

گرد در و بام دوست پرواز کنند

هر جا که دری بود به شب بر بندند

الا در دوست را که شب باز کنند

فصل سوم: دستورات و مراقبات ماه رجب

توصیه‌ی مرحوم استاد سعادت‌پرور^۱ آن بود که در آستانه‌ی اوقات شریف، بهتر آن است که غسل و نماز توبه نماییم که دستور آن را مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان در اعمال یکشنبه‌های ماه ذی‌قعدة نقل می‌کند.^۲ لذا پسندیده است که این نماز را در آستانه‌ی ورود به ماه رجب به جای آوریم؛ به امید آنکه پاکیزه از گناهان بر این ماه عزیز وارد شویم.

شست و شویی کن و آنگه به خرابات خرام

تا نگردد ز تو این دیر خراب، آلوده

پاك و صافی شو و از چاه طبیعت به دری

که صفایی ندهد، آبِ تراب آلوده

همچنین مرحوم استاد سعادت‌پرور توصیه می‌کردند که استغفاراتی که در

کتاب «آداب‌المیریدین»^۳ برای بین الطلوعین، هنگام صبح و بعد از مغرب

۱. مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی سعادت‌پرور (۱۳۰۵-۱۳۸۳ شمسی) از شاگردان برجسته‌ی مرحوم علامه‌ی طباطبایی در مسائل سلوکی بود. مؤلف این کتاب، افتخار بهره‌مندی از محضر ایشان را دارد و عمده‌ی مطالب آمده در این اثر، برگرفته از دستورات آن استاد ارجمند اخلاق و عرفان است.

۲. سید ابن طاووس روایت کرده: «رسول خدا ﷺ در یکشنبه‌ی ماه ذی‌قعدة از منزل بیرون آمد و فرمود: ای مردم، کدام یک از شما می‌خواهد توبه کند؟ عرض کردیم: همه می‌خواهیم توبه کنیم. فرمود: غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز - در هر رکعت یک بار «فاتحة‌الکتاب»، سه بار «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و هر کدام از دو سوره‌ی «معوذتین» (سوره‌های ناس و فلق) را یک بار بخوانید، سپس هفتاد بار استغفار کنید و آن را به «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ختم کنید، آن گاه دست‌ها را بالا آورید و بگویید: «يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.»

سپس فرمود: هر بنده‌ای از امت من این عمل را انجام دهد، از آسمان به او ندا می‌شود: «ای بنده‌ی خدا، عمل خود را از نو آغاز کن؛ زیرا توبه‌ی تو پذیرفته و گناه تو آمرزیده شد.» و فرشته‌ای از زیر عرش به او خطاب می‌کند: «ای بنده، خجسته باد بر تو و خاندان و فرزندان تو!» و فرشته‌ای دیگر ندا می‌کند: «ای بنده، دشمنان تو در روز قیامت از تو راضی خواهند گردید.» و...

عرض کردیم: ای رسول خدا، اگر بنده‌ای این عمل را در غیر این ماه انجام دهد، چه اثری خواهد داشت؟ فرمود: «همانند آن چه توصیف کردم برای او خواهد بود و این سخنان را جبرئیل علیه السلام آن گاه که خداوند مرا به آسمان [معراج] برد، به من آموخت.»

۳. دیگر اثر مؤلف این کتاب که توسط همین ناشر به چاپ رسیده است.

ذکر شده و همچنین در باب توبه توصیه شده است، در بین الطلوعین و بعد از غروب آفتاب ایام ماه رجب انجام دهیم.

علاوه بر این، اذکار فراوانی برای روزها و شب‌های ماه رجب ذکر شده؛ از جمله اذکار استغفاری و توحیدی که بخشی از آنها در مفاتیح الجنان ذکر شده است.

در میان این اذکار، حضرت استاد بر برخی تأکید بیشتری می‌نمود؛ از جمله دعای ناحیه‌ی مقدّسه که از طریق عثمان بن سعید در توقیع شریف صادر شده؛ دیگری دعایی است که در تعقیب نمازها خوانده می‌شود؛ همچنین از جمله اذکار استغفاری و یا توحیدی که در طول روز و یا همه‌ی ایام رجب توصیه شده، ده هزار مرتبه سوره‌ی توحید در کل ماه است که اگر این عدد را به روزهای ماه تقسیم کنیم، می‌شود روزی ۳۳۳ بار، که اگر این تعداد مقدور نباشد، چه خوب است که با تسبیح تربت و به هر تعداد که بر ایمان مقدور است این ذکر را بگوییم، اما ترک ننماییم.

شب اول ماه رجب یکی از چهار شب سال است که احیای آن توصیه شده و روز اول آن نیز به روزه ممتاز است.

نماز شب؛ مرقّات اهل سلوک

توصیه به نماز شب در بیانات الهی و فرهنگ کلمات اهل بیت علیهم‌السلام به حدّی است که در میان اهل معنا، جایگاه نماز شب مانند جایگاه نمازهای یومیّه برای توده‌ی مردم است و امکان ندارد کسی بدون نماز شب بتواند در مسائل معنوی به جایی برسد.

خداوند خطاب به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره‌ی نماز شب می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۱

و پاسی از شب را از بستر برخیز (و به عبادت و نافله‌ی شب بپرداز) و این يك وظیفه‌ی اضافی برای تو است؛ امید آنکه خداوند به برکت این عمل تو را به مقام محمود نائل گرداند.

«تهجد» در لغت به معنای برخاستن از بستر است. این آیه‌ی شریفه نشان می‌دهد که صرف جدا شدن از بستر برای نماز شب، ارزشمند است؛ ممکن است بعضی نتوانند ابتدای شب بخوابند، آنها می‌توانند برای ادای نافله‌ی شب، بعد از نیمه‌شب نماز شب را بخوانند و بعد بخوابند، ولی این دیگر تهجد نیست، صرفاً نماز شب خواندن است. در حالی که ما امر به تهجد شده‌ایم؛ یعنی انسان شب را بخوابد و بعد، نیمه‌های شب برای نماز برخیزد. در سنن‌النبی آمده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول شب سه بار از خواب برمی‌خواست. نمازهای ایشان دو چهار رکعت و یک سه رکعت بود؛ حضرت می‌خوابیدند، بلند می‌شدند و چهار رکعت نماز شب می‌خواندند و سپس می‌خوابیدند، بعد از یک ساعت، برمی‌خواستند و چهار رکعت بعدی را می‌خواندند، بعد یک سجده طولانی به جا می‌آوردند و دوباره می‌خوابیدند، کمی بعد دوباره بیدار می‌شدند و سه رکعت بعدی را می‌خواندند.^۲ تهجد بسیاری از بزرگان ما هم به همین ترتیب بود؛ چنان‌که از مرحوم آقای قاضی نقل شده.

۱. اسراء، ۷۹.

۲. الکافی (ط. الإسلامية، ۱۴۰۷ ه.ق)، ج ۳، ص ۴۴۵.

منظور این نیست که ما هم این طور باشیم، سخن در اینست که بهانه نیاوریم که شب‌ها کوتاه است و نمی‌توانیم نماز شب بخوانیم. امام عسکری علیه السلام درباره‌ی سلوک الی الله می‌فرمایند:

«إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ»^۱

به راستی که وصول و بار یافتن به محضر خداوند - عز و جل - سفری است که جز با سوار شدن بر مرکب شب [و بیداری و انجام عبادات در آن] نمی‌توان بدان رسید.

آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از استادش آخوند ملا حسینقلی همدانی^۲ چنین نقل می‌کند:

«شیخ و پیشوای من در علوم حقّه برایم حکایت نمود که از طالبان آخرت، احدی به مقامی از مقامات دینی نرسید، مگر آنان که اهل تهجد و شب‌زنده‌داری بودند.»^۳

باید همتی به خرج داد و از امور دیگر در این ماه برای جبران خسارت‌ها مایه گذاشت.

۱. بحار الأنوار (ط. دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ.ق.)، ج ۷۵، ص ۳۸۰، باب ۲۹: مواظب أبي محمد العسكري عليه السلام و كتبه إلى أصحابه.

۲- عالم و عارف برجسته، آخوند ملا حسینقلی همدانی (۱۲۳۹-۱۳۱۱ هـ.ق.) در فقه و اصول شاگرد شیخ انصاری و در اخلاق و عرفان شاگرد آیت الله سید علی شوشتری بود. پس از رحلت شیخ انصاری، ایشان قصد تدریس فقه و اصول داشت، اما سید شوشتری، ایشان را از این کار منع کرد تا به تربیت و تعلیم اخلاقی شاگردان مستعد بپردازد. آخوند همدانی را نقطه‌ی عطفی در تاریخ رویکرد معنوی و عرفانی در حوزه‌های علمیه می‌دانند. تسلط کم نظیر ایشان بر معارف عقلی و فقهات موجب شد که راه استادش (مرحوم شوشتری) را چنان گسترش دهد که پس از ایشان نوعی مکتب تربیتی در نجف شکل گرفت. گفته شده که حدود سیصد نفر در مکتب مرحوم آخوند تربیت شدند که از جمله مشهورترین آنها، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، سید احمد کربلایی، سید محسن امین، شیخ محمد بهاری همدانی، میرزا محمد حسین نائینی و آخوند خراسانی هستند.

۳. پاسداران حریم عشق (ط. احیاء کتاب، ۱۳۸۸ هـ.ش)، ج ۴، ص ۱۱۸.

مرحوم سید علی آقای قاضی در توصیه‌ی به نماز شب می‌فرمود:

«اما نماز شب، پس هیچ چاره و گریزی برای مؤمنین از آن نیست، و تعجب از کسی است که می‌خواهد به کمال دست یابد، در حالی که برای نماز شب قیام نمی‌کند. و ما نشنیدیم که احدی بتواند به آن مقامات دست یابد، مگر به وسیله‌ی نماز شب.»^۱

همچنین مرحوم علامه‌ی طباطبایی از ایشان نقل می‌فرمود:

«چون در نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، از نقطه نظر قرابت و خویشاوندی، گاه‌گاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می‌شدم؛ تا یک روز در مدرسه‌ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می‌کردند. چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه‌ی من گذاردند و گفتند: ای فرزند! دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان، آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان!»^۲

یک مسئله‌ی کنترلی مهم

مرحوم آقا سید احمد کربلایی^۳ در نامه‌ای به یکی از شاگردانش که از استاد دستوری برای پیدا کردن حال گریه و انابه درخواست کرده بود، می‌نویسد:

۱. عطش (ط. شمس الشمس، ۱۳۴۱ ه.ق.)، ص ۴۸.

۲. مهر تابان (ط. باقر العلوم، ۱۴۰۲ ه.ق.)، ص ۲۶.

۳. عارف و فقیه بزرگ، آیت‌الله سید احمد کربلایی تهرانی (متوفای ۱۳۳۲ ق.)، در محضر اساتید بزرگ نجف اشرف به درجه‌ی اجتهاد رسید. مرتبه‌ی اجتهاد ایشان چنان ارجمند بود که در سنّ چهل سالگی نامزد مرجعیت شیعه شد؛ ولی حاضر به پذیرش این مسئولیت نگردید. با این حال، ایشان در اخلاق و عرفان پراوازه‌تراست؛ ایشان از شاگردان برجسته‌ی مرحوم ملا حسین قلی همدانی بود و توفیق پرورش شاگردان بزرگی را یافت که سید علی آقای قاضی از جمله مشهورترین آنهاست.

«فدایت... مسائل راه آخرت آموختنی نیست؛ بلکه نوشیدنی است؛ تضرع و ابتهال از درد و سوز دل برمی خیزد. درد پیدا کن آن خود تضرع و ابتهال می آورد.

آب کم جوتشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

هرگز شنیده شده که زن بچه مرده را گریه تعلیم کنند؟! یا زن آبستن را زاییدن بیاموزند؟! بلی، نائحه^۱ را که اجاره کنند، یا بازی زاییدن بخواهند درآورند، محتاج به تعلیم و آموختن خواهد بود و از این فرمایش سرکار - علاوه بر سایر مطالب - معلوم می شود که به فکر و ذکر پرداخته ای، تا آتش فراق مشتعل گردد و همچنین در مجاهده هم کوتاهی نموده و مغرور شده ای! و الا مجاهده ی صادق، علم وجدانی به قبائح اعمال و افعال و سگنات و اخلاق و ملکات می آورد، و این ها از دناوت مرتبه ی ذات نفس است که حقیقتاً جهنّم روحانی است. اگر کسی خود را فعلاً و حقیقتاً در جهنّم دید، محتاج به آموختن تضرع و ابتهال نخواهد بود؛

فَهُمْ وَالنَّارِ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا وَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ^۲»^۳

بله! کسی که درد ندارد، اگر بخواهد گریه کند، می ماند که چگونه گریه کند؛ چون درد نکشیده؛ بچه ی او نمرده است. ما باید دردمند شویم تا ندای «أَيْنَ الرَّجَبِيِّونَ» و «أَنَا جَلِيسُ مَنْ جَالَسَنِي» را درک کنیم! به همین دلیل است

۱- زن نوحه کننده

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ی ۱۹۳؛ متقین به سان کسانی هستند که آتش را می بینند و در آن معذب هستند.

۳- برنامه ی سلوک در نامه های سالکان (ط. دارالفکر، ۱۳۷۶. ش. ۱)، ص ۱۲۲.

که به قول مرحوم میرزا جواد آقا، اولیای الهی برای درک لیلۃ القدر ماه رمضان، از شب اول ماه رجب دورخیز می کردند.

زبان حال ما در ایام ارجمندی چون رجب، که با ظرفیت ناچیزمان قادر به درک عظمت آن نیستیم، باید این باشد که اگر عزیز مصر نیستیم تا بتوانیم یوسف علیه السلام را بخریم، لااقل مثل آن پیرزنی باشیم که در صف خریداران یوسف علیه السلام ایستاد؛ تا صرفاً تماشاچی آن جمال زیبا نباشد!^۱ بیایید ما هم در این ماه رجب همّتی کنیم تا لااقل در صف رجبیون قرارمان دهند!

ارزشمندترین کار در ماه رجب؛ اهتمام به نمازهای یومیه

اهتمام به نمازهای یومیه؛ مهم‌تر از خواندن نماز شب

توجه به نمازهای یومیه و اهتمام به حال و حضور قلب در آن، مهم‌تر از هر عمل عبادی دیگر است. به تعبیر مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی، اگر ابتدا نماز یومیه‌مان را درست کنیم، آن چنان تَلَأُوْ و نورانیّت در زندگی انسان ایجاد می‌شود که انسان را برای نماز شب بیدار می‌کنند و خداوند باب توفیقات دیگر را برای او باز می‌نماید!

۱. نقل کرده‌اند که وقتی حضرت یوسف علیه السلام را به بازار آوردند تا بفروشند، صف طولی از ثروتمندان و توانگران برای خرید او ایجاد شد و همه برای خریدن جناب یوسف علیه السلام مبالغ هنگفتی ارائه می‌کردند. در این میان پیرزنی هم آمده بود که جز یک دوک نخریسی دارایی دیگری نداشت. از او پرسیدند تو برای چه میان این صف آمده‌ای؟ مگر تو برای خریدن یوسف چه داری؟ عده‌ای به او خندیدند و عده‌ای از سر دلسوزی به او گفتند: آخر آن خریداران یوسف کجا و تو کجا؟! پیرزن گفت: می‌دانم کسی یوسف را به من نمی‌دهد، اما آمده‌ام تا بگویم من هم خریدار توام! فقط تماشاگر نیستم!

مرحوم آیت الله بهجت از استادشان سید علی آقای قاضی نقل می نمود که:

«اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد، مرا لعن کند!»^۱

در وصیت نامه ی کوتاه آن مرد الهی نیز، اولین مطلبی که بدان دستور داده شده، اهتمام به نماز است:

«اما وصیت های دیگر، عمده ی آنها نماز است. نماز را بازاری نکنید، اول وقت به جا بیاورید، با خضوع و خشوع! اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می ماند، و تسبیح صدّیقه ی کبری سلام الله علیها و آیت الکرسی در تعقیب نماز ترک نشود...»

ایشان خود چنان از حلاوت انس با نمازهای یومیه سرمست بود که می فرمود:

«فقر و بی پولی و اولاد زیاد همواره به من فشار می آورد، اما هنگامی که سر نماز می ایستم، خداوند تبارک و تعالی لذت عبودیت را به قسمی به بنده می فهماند که قریب به یک ساعت نماز طول می کشد و پس از نماز فکر می کنم این لذت عبودیت در نشئه ی بعدی به نحوی که عبودیت و ربوبیت حفظ شود، آیا نصیبمان می شود یا نه؟!»

همچنین از ایشان منقول است:

«تمام هم و غم دنیا در نزد ما تا اول الله اکبر نماز است.»

۱. اسوه ی عارفان (ط. آل علی علیه السلام، ۱۳۸۵ هـ.ش)، ص ۸۹.

و می فرمود:

«دو سه روز است در این فکرم که اگر در بهشت نگذارند ما نماز بخوانیم

چه بکنیم؟»^۱

این حال بزرگان ما درباره‌ی نماز است.

اگر سالک در این ماه رجب «غیرت» به خرج دهد و با قدم همت پای پیش نهد، خداوند نیز از او دستگیری می‌کند؛ که پروردگار انسان‌های غیور را دوست دارد.

در خرقة چو آتش زدی ای عارف سالک

جهدی کن و سر حلقه‌ی رندان جهان باش

ولذا بهترین و اولین و اصلی‌ترین دستور سلوکی در ایام ماه رجب، اصلاح امر نماز است. و هر کس در هر مرتبه از مراقبه و حضور قلب در فرائض یومیه است، بنا بگذارد که یک قدم به جلو بردارد؛ در ابتدا احکام فقهی آن را اصلاح نماید که هرگز با نماز غلط و باطل، قدمی پیشرفت حاصل نخواهد شد و سپس به اصلاح کیفیت آن، از حضور قلب گرفته تا مراتب دیگر، بپردازد. ملاک پیشرفت در مسائل معنوی، حال خوش و میزان حضور قلب در نماز است.

مرحوم آیت‌الله بهجت می‌فرمود:

«اگر بدانیم اصلاح امور انسان به اصلاح عبادت، و در رأس آنها نماز

است، که به واسطه‌ی خضوع و خشوع و آن هم به اعراض از لغو محقق

می‌شود، کار تمام است!»

۱. شیدا (ط. شمس الشموس، ۱۳۸۵ هـ. ش)، ص ۷۹.

روایاتی پیرامون حضور قلب در نماز

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: وقتی بنده‌ی مؤمن به نماز می‌ایستد و رو به پروردگار می‌کند، خداوند هم به او اقبال می‌نماید؛ یعنی در اول نماز که بنده می‌گوید «الله اکبر»، خداوند هم می‌فرماید «لیبک»، این خطاب به همه‌ی نمازگزاران هست، و در ادامه می‌فرماید: و هنگامی که عبد وارد نماز می‌شود، اگر با غفلت، روی دل از خداوند برتابد و حضور قلب خود را از دست بدهد، خداوند نیز از او اعراض می‌کند و او را به ملکی واگذار می‌نماید. امام علیه السلام سپس می‌فرماید: از نماز آن مقدار قبول است که حضور قلب در آن باشد.^۱

خلاصه این‌که اگر کسی بتواند حتی در یک رکعت از نمازش هم حضور قلب کامل داشته باشد، نمازش درست است؛ اگر در رکعت اول نشد، در رکعت دوم جبران کنیم، اگر نشد در رکعت سوم، نشد چهارم. در روایتی دیگر آمده که اگر کسی در ثلث نماز حضور قلب داشت، ثلث آن، در ربعش داشت، ربع، تا می‌رسد به عُشر، بعد می‌فرماید اگر کسی حتی در یک دهم

۱. «الإمامُ الصادق عليه السلام: إِذَا اسْتَفْتَحَ الْعَبْدُ صَلَاتَهُ، أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَوَكَّلَ بِهِ مَلَكًا يَلْتَقِطُ الْقُرْآنَ مِنْ فِيهِ التَّقَاطُطَ، فَإِنْ أَعْرَضَ الْعَبْدُ عَنْ صَلَاتِهِ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ وَوَكَّلَهُ إِلَى الْمَلِكِ، وَإِنْ أَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ بَكَلِّهِ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ حَتَّى تَرْفَعَ صَلَاتُهُ كَامِلَةً، وَإِنْ سَهَا فِيهَا أَوْ غَفَلَ أَوْ سَغَلَ بِشَيْءٍ غَيْرِهَا رَفَعَ مِنْ صَلَاتِهِ بِقَدَرِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا، وَلَا يُعْطَى الْقَلْبُ الْغَافِلُ شَيْئًا».

امام صادق علیه السلام: هنگامی که بنده نماز را آغاز می‌کند، خداوند با روی کریمانه‌اش به او روی می‌آورد و فرشته‌ای را بر او می‌گمارد، تا قرآن را کامل و تمام از لبش برچیند. پس اگر بنده از نمازش روی گرداند، خداوند نیز روی می‌گرداند و او را به همان فرشته می‌سپارد و اگر در همه نمازش، به آن متوجه باشد، خداوند با روی کریمانه‌اش به او رو میکند تا آنکه نمازش کامل و تمام بالا رود. و اگر در آن دچار فراموشی یا غفلت گردید یا سرگرم به چیزی جز خدا شد، از نمازش، همان اندازه بالا می‌رود که به خدا روی آورده است و به دل غافل هیچ چیز، بخشیده نمی‌شود. (مکارم الأخلاق (ط. الشریف الرضی)، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۶، ح ۲۱۶۴).

«عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: ...إِنِّي لَأُحِبُّ لِلرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ أَنْ يُقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا يَشْغَلُهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَأَقْبَلَ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ بِالْمَحَبَّةِ لَهُ بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ إِيَّاهُ» (الأُمَالِي (للمفيد) (ط. كنگره‌ی شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق)، ص ۱۵۰).

نمازش هم حضور قلب نداشت، نماز او مثل تگه‌ای لباس کهنه پیچیده می‌گردد و به صورتش کوبیده می‌شود و از درگاه الهی رانده می‌شود.^۱

این که در روایات درباره‌ی نماز آمده «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا»^۲ آیا ما را به فکر و نمی‌دارد؟ ما همه‌ی عملمان به برکت نمازمان قبول می‌شود، نمازمان هم که چنین وضعی دارد! چه کنیم؟! چه چیزی شب اول قبر به دست ما می‌آید؟ این از نماز ماست که ستون دین است. با این توضیحات مشخص می‌شود که هیچ دستور ذکری و فکری به اهمیت نماز نداریم. حال چه طور نماز را درست بخوانیم؟

روش عملی تحصیل حضور قلب در نماز

حضور قلب دارای مراتبی است. در ابتدا باید بنا را بر این بگذاریم که در میان نمازهای یومیّه، فقط یک نماز دو رکعتی صبح را با حضور قلب بخوانیم و اگر به این هم قادر نیستیم، به کمتر اکتفا کنیم. پس بیایید از ابتدای ماه رجب به طور جدی تصمیم بگیریم که این اتفاق بیفتد؛ یعنی اگر موفق نشدیم خود را تنبیه کنیم.

مرحوم آیت الله بهجت می‌فرمود:

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ مِنْ الصَّلَاةِ لَمَّا يُقْبَلُ يَصْفُهَا وَتُلْتَمَسُ وَرُبُعُهَا وَخُمُسُهَا إِلَى الْعُسْرِ، وَإِنَّ مِنْهَا لَمَّا يُلْفَ كَمَا يُلْفَ الثَّوْبُ الْخَلْقُ فَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهُ صَاحِبِهَا وَإِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ بِقَلْبِكَ.» (بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۶۰)

۲. «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: كُلُّ سَهْوٍ فِي الصَّلَاةِ يُطْرَحُ مِنْهَا غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَتَمَنَّاهُ بِالْثَوَائِلِ. إِنَّ أَوَّلَ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا. إِنْ الصَّلَاةُ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا، رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ بَيَضَاءٌ مُشْرِقَةٌ، تَقُولُ: حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ. وَإِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بَعِيرٌ حُدُودَهَا، رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءٌ مُظْلِمَةٌ، تَقُولُ: ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ.» (الكافي (ط. الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۶۸)

«شما آن مقدار از نماز که دست خودتان است توجّه کنید، بقیه‌ی نماز را

خدا خودش درست می‌کند.»^۱

نازل‌ترین مرتبه‌ی حضور قلب در نماز، بعد از مرتبه‌ی فقهی آن، یعنی توجه به اینکه نماز می‌خوانم، توجّه به معانی کلماتی است که می‌خوانیم.

و چون کنترل خواطر در ابتدا سخت است، باید کار را از کم آغاز کرد، مثلاً تمرین حضور قلب را از نماز صبح و حتّی بخشی از آن مانند قرائت سوره‌ی حمد شروع کرد و سپس توسعه داد. این‌که گفته می‌شود از نماز صبح شروع شود به این دلیل است که نماز صبح بعد از استراحت شبانه است و روح آرام گرفته و خواطر شیطانی در نماز صبح کمتر به انسان حمله می‌کند، ولی در بقیه‌ی نمازهای یومیّه، حمله‌ها شدیدتر است. لذا کنترل خواطر نفسانی در نماز صبح راحت‌تر است. اگر این کار هم میسر نیست، این تمرین را در نماز نافله‌ی صبح انجام دهیم، به این ترتیب که در حال نماز به معانی کلماتی که می‌گوییم توجه داشته باشیم؛ گویی در حال بازگو کردن مطلبی نزد بزرگی هستیم.

آیت‌الله بهجت می‌فرمود:

«اگر در همان الله اکبر، شخص متوجه باشد که دارد چه کار می‌کند، دیگر

لازم نیست که تا آخر نماز خیلی زحمت بکشد.»^۲

حضورِی گره‌می‌خواهی، از او غایب مشو حافظ

مَتَى مَا تَلَقَّ مِنَ تَهْوَى، دَعِ الدُّنْيَا وَ أَهْمِلْهَا^۱

۱. شیدا (ط. شمس الشموس، ۱۳۸۵ ه. ش. ۰)، ص ۸۱، به نقل از استاد فاطمی‌نیا.

۲. همان، ص ۸۱.

مراقبه؛ اصلی‌ترین دستور در سلوک

این وصیت مرحوم استاد سعادت پرور بود که تلاش کنیم در ماه رجب، بر خلاف جریان و مسیر این روزگار شنا کنیم؛ بیاییم قدری خود را خرج وجود خودمان کنیم. لذا لازم است که در میان زشتی‌ها و صفات ذمیمه‌ی خود بررسی دقیق کرده و آن رذیله‌ای که فکر می‌کنیم بیشتر مزاحم است و توان مبارزه با آن را داریم، در نظر بگیریم و به طور جدی با آن مقابله کنیم و مراقبه‌ی خود را بر ترک آن صفت ذمیمه قرار دهیم و هر شب محاسبه‌ی دقیقی نسبت به آن وصف داشته باشیم.

نکته‌ی دیگر آن‌که تجربه نشان داده شیطان در روزهای آخر ماه‌های عزیز، حملات بیشتری دارد و تلاش می‌کند تا همه‌ی زحمات انسان را یک باره با یک گناه یا عصبانیت و یا رفتار زشت ناگهان از بین ببرد؛ چنان‌که استاد می‌فرمود:

«گاهی یک عصبانیت، بیست سال انسان را به عقب می‌اندازد.»

از همین رو لازم است که سالک به تناسبی که در این سه ماه پیش می‌رود، مراقبه‌ی خود را نیز بیشتر و دقیق‌تر بنماید تا از مهالک شیطان در امان باشد.

دستور عملی مراقبه

خداوند درباره‌ی شیطان و سربازان او می‌فرماید:

۱. هرگاه با آن که به او علاقه‌مندی برخورد نمودی، دنیا را واگذار.

﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ... إِنَّهُ يُرِيدُكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۱

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبید! چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند... به راستی او و هم‌گنان وی شما را از جایی که شما آنها را نمی‌بینید، می‌بینند؛ بی‌گمان ما شیطان‌ها را سرپرست کسانی کرده‌ایم که ایمان ندارند.

بنابراین شیطان به هر کس از نقطه‌ی ضعف او وارد می‌شود و اغوايش می‌نماید. پس لازم است که قبل از آغاز ماه رجب، محاسبه‌ی دقیقی داشته باشیم و نقطه‌ی ضعف اصلی خود را در مقابل شیطان پیدا کنیم؛ به این ترتیب که عیوبی که احساس می‌کنیم آسیب‌پذیری اصلی ما از آنجاست شناسایی نماییم؛ مثلاً کسی ممکن است در برابر شهوت شکم ضعیف است و ناخواسته پرخوری یا بدخوری می‌کند و در نتیجه توفیق روزه و یا برخی اعمال عبادی، از جمله نماز شب را پیدا نمی‌کند، دیگری در برابر عصبانیت و غضب ضعیف است، کسی ممکن است در موقعیت‌های خاصی عصبانی شود، مثلاً شخصی در حال رانندگی زود عصبانی می‌شود. مهم در این مسئله آن است که در یافتن نقاط ضعف اخلاقی خود به طور کاربردی دقیق شویم؛ دقیقاً جاهایی را که می‌دانیم و تجربه کرده‌ایم که معمولاً در آن موقعیت‌ها شیطان ما را زمین می‌زند، محاسبه‌ی دقیقی انجام دهیم و آن‌ها را پیدا کنیم. لازم نیست به خود مغرور شویم و بگوییم من با همه‌ی

۱. اعراف، ۲۷.

زشتی‌های خودم و با همه‌ی جنود شیطان یک باره وارد جنگ می‌شوم، انسان حریف نیست، بلکه باید یک یا دو عیب و نقطه ضعف اصلی را در نظر بگیریم. به طور جدّی نسبت به آن میدان‌هایی که واقعاً بیش از بقیه در آنجا زمین خورده‌ایم حسّاس باشیم. حتّی لازم است که انسان نسبت به این موقعیت‌ها احتیاط کند؛ مثلاً می‌دانیم کاری که انجام می‌دهیم گناه نیست، اما اگر انجام دهیم، وارد فضایی می‌شویم که مناسب نیست و نمی‌توانیم تبعات آن را کنترل کنیم، پس بهتر است در آن فضا وارد نشویم. مثلاً تجربه کرده‌ایم که اگر کسی در مقابل ما بلند حرف بزند، کم‌کم عصبانی می‌شویم، پس اگر در چنین موقعیتی قرار گرفتیم و طرف مقابل را نمی‌توانیم کنترل کنیم، از آن فضا بیرون بیاییم، اگر او فریاد می‌زند، ما جرعه جرعه آب بنوشیم و یا تلاش کنیم روی موضوع دیگری تمرکز نماییم، یا در دل آیات قرآن را بخوانیم و بر آن تمرکز کنیم. به هر صورت باید تمام تلاشمان بر این باشد که در این ماه بردهاں شیطان بکوبیم.

مرحوم آیت‌الله سید مهدی بحر العلوم در رساله‌ی سیر و سلوکی که منسوب به ایشان است بیانی به این مضمون دارد که: شیطان در اوایل راه، ما را عددی حساب نمی‌کند، لذا معمولاً سربازان ضعیفش را می‌فرستد؛ او اصلاً ارزشی برای افراد عادی قائل نیست تا به خود زحمت دهد و وارد میدان شود. به تناسب این که انسان در ماه رجب و شعبان جلو می‌آید، او سربازان قوی‌تر خود را می‌فرستد و هنگامی که آن‌ها شکست خوردند، بالاخره خود وارد میدان می‌شود؛ شیطان وقتی زمین بخورد، یعنی کفر زمین خورده است. لذا اگر در معرکه‌ای در مقابل یکی از جنود شیطان پیروز شدیم، نباید مغرور شویم؛ بدانیم که یکی از سربازان ضعیف او را زمین زده‌ایم، منتظر سرباز

بعدی باشیم، منتظر پاتک دشمن باشیم. لذا واجب است که همیشه در حال مراقبه باشیم.

عمده‌ی دستورات در ماه رجب، استغفار است؛ یعنی مراقبه و طلب آمرزش از خداوند. استغفارات مابین الطلوعین صبح، و نیز هنگام غروب خیلی مهم است و هریک شب و دیگری روز ما را اصلاح می‌کند.

باید حداقل مراقبه‌ی ما بر روی گناه باشد، آن هم مبتلا به‌ترین گناهی که انسان به آن آلوده است؛ خیلی‌ها می‌گویند که در خود گشتیم ولی پیدا نکردیم، این خیلی زشت است که کسی عیوب خود را نداند. اما در این صورت می‌توان به کتب اخلاقی مراجعه کرد که به برخی عیوب مبتلا به‌تر اشاره کرده‌اند.

مراقبه‌ی زبان؛ امّ‌المراقبات

در نصوص روایی داریم که در میان مراقبات، آنکه گویی ام‌المراقبات و مرکز ثقل مسئله است، مراقبه بر زبان است؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ با رؤیت هلال این ماه‌ها می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَبَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَعِنَّا عَلَى الصَّيَامِ وَالْقِيَامِ وَحِفْظِ اللِّسَانِ وَغَضِّ الْبَصَرِ وَلَا تَجْعَلْ حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوعَ وَالْعَطَشَ.»^۱

۱. إقبال الأعمال (ط، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ج ۲، ص: ۶۲۸

خداوندا، ماه رجب و شعبان را بر ما مبارك گردان و ما را به ماه رمضان برسان و برروزه داری، شب خیزی، حفظ زبان و پوشیدن چشم، یاری ده و بهره‌ی ما را از آن، فقط گرسنگی و تشنگی قرار مده.

معمولاً عصبانیت از راه زبان بروز می‌یابد، شهوت از طریق زبان آغاز می‌شود، تهمت و تحقیر و غیبت از زبان جلوه می‌کند، خود پرحرفی هم جزو زشتی‌هاست؛ لذا اگر کسی هیچ گناهی در خود پیدا نمی‌کند، لااقل در این ماه این مراقبه را شروع کند و در جاهایی که خدا دوست ندارد، پرحرفی نکند. منظور این نیست که سخن گفتن با خانواده، مادر، همسر و... را کم کنیم. دقت کنیم و ببینیم در دانشگاه، در کوچه و بازار و... کجا با مردم لغو می‌گوییم، آن‌ها را کنترل کنیم.

دم مزن تا بشنوی اسرار حال

از زبان بی زبان که: قم تعال

دم مزن تا بشنوی زان دم زنان

آنچه ناید در بیان و در زبان

دم مزن تا بشنوی زان آفتاب

آنچه نامد در کتاب و در خطاب

شعبان ماه رسول اکرم ﷺ است و باب ورود به ماه شعبان از ماه رجب است. لذا اگر انسان ماه رجب خوبی نداشته باشد، ماه شعبان خوبی نخواهد داشت و اگر ماه شعبان خوبی نداشته باشد، طبعاً توحید خوبی ندارد؛ زیرا که ماه رمضان ماه پروردگار و توحید است. بدون ورود به بیت ولایت رسول اکرم ﷺ، ماه رمضان، ماه بابرکتی برای انسان نخواهد بود. لذا

شخص باید از ماه رجب کمر همت ببندد. حیف است که این سه ماه رجب، شعبان و رمضان بیاید و انسان بار سلوک توحیدی خود را نبندد. لذا تمام توصیه این است که ماه رجب را ماه مراقبه‌ی جدّی قرار دهیم و شب و روز آن را به غفلت سپری نکنیم.

گناه‌شناسی؛ لازمه‌ی مراقبه

اولین مرتبه‌ی مراقبه، «حفظ حریم حلال و حرام الهی» است. و البته لازمه‌ی آن مطالعه‌ی رساله‌ی عملیه در مسائل مبتلابه است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند:

«مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ اجْتِنَابُ الْمُحَرَّمَاتِ»^۱

بالاترین پرهیزگاری و افضل مراقبات، اجتناب از محرمات الهی است. البته شیطان هنگام پرهیز از گناه نیز انسان را به خطا می‌اندازد، زیرا هر کس در مقابل گناه خاصی ضعیف است. بنابراین، در پایان روز که به محاسبه می‌پردازیم، نگوییم خدا را شکر که مثلاً امروز دروغی نگفتم یا غیبت نکردم، بلکه باید به دنبال گناهان کوچک و بزرگی در خود بگردیم که بیشتر در معرض آن‌ها قرار می‌گیریم.

بنابراین باید خودمان نقاط ضعف اخلاقی خود را در مقابل گناهان و خطاها پیدا کنیم، و هر کس به خودش نسبت به دیگران آگاه‌تر است:

«بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ»^۲

۱. عیون الحکم و المواعظ (لیثی) (ط. دار الحدیث، ۱۳۷۶ ه. ش)، ص ۴۷۳.

۲. قیامت، ۱۴.

بلکه انسان خود بر نیک و بد خویش به خوبی آگاهست.

نتیجه این که انسان باید اول «گناه شناس» شود، سپس به پرهیز از گناه اقدام نماید. گناه شناسی یعنی آشنایی با احکام دین و شناخت دقیق مرز میان حلال و حرام الهی. این که علمای اخلاق می گفتند سالک باید مجتهد باشد، به این معنا نیست که از نظر فقهی، خود استنباط احکام کند، بلکه منظور اینست که باید دقیقاً بر احکام الهی مسلط باشد.

مرحوم ملا حسین قلی همدانی قریب به سیصد نفر شاگرد از اصناف و اقشار مختلف داشت. از برجسته ترین شاگردان مرحوم آیت الله قاضی، مرحوم سید هاشم حداد بود که طلبه نبود و به همین ترتیب در میان شاگردان شاگردان ایشان. بنابراین تأکید بر اجتهاد از این جهت بود که لازم می آمد شخص در هنگام مراقبه، کاملاً مسلط بر احکام دینی خود باشد و با ظرایف احکام الهی در شئون مختلف زندگی خود، اعم از عبادات، کسب و کار و یا خصوصاً در روابط اجتماعی و خانوادگی آشنا باشد تا ناخواسته دچار حرام نشود.

خلاصه آن که لازم است در گناه شناسی مجتهد باشیم تا با ظرف آلوده و قلب نجس، اعمالمان را به محضر حق عرضه نکنیم. خداوند می فرماید:

﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾^۱

اعتقادات پاک به سوی او بالا می رود، و عمل صالح و شایسته آن را بالا می برد.

۱. فاطر، ۱۰.

آن چه که به محضر مولی عرضه می شود اعمال ما نیست، بلکه «کلمه ی طیب» است؛ یعنی اصل در عمل انسان، کلمه ی توحید است، ولی کلمه ی توحید در ظرف قلب به محضر پروردگار عرضه می شود: ﴿وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾. اگر قلبمان کثیف باشد، هر چه ذکر بگوییم، عبادت کنیم و نماز بخوانیم، مانند آب زلالی است که در ظرف کثیف ریخته ایم:

﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

اولین و آخرین توصیه ی مشایخ سلوک به شاگردانشان «تقوا» بوده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

﴿فَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾^۲

اولین مرتبه از تقوی و اصلی ترین توشه ی سالک، تقوای از گناهان است که لازمه ی آن علم به احکام دینی است. بدین ترتیب دیگر از یک طرف گرفتار و سواس در عبادات و احکام طهارت و نجاست نمی شویم و در نتیجه مرتکب تندروی در اعمال نمی گردیم و از طرف دیگر گرفتار لاابالی گری و کندروی در دینمان نمی گردیم.

حضرت استاد سعادت پرور در آستانه ی فرا رسیدن ماه رجب، جوش و خروش این ماه را می زدند و می فرمودند اگر کسی به درستی وارد ماه رجب نشود، معلوم نیست ماه شعبان را هم به درستی درک کند و اگر کسی ماه شعبان را تحصیل نکرد، در ماه رمضان نیز ناموفق است. انتظار نداشته باشیم در شب های قدر ماه رمضان، حقیقت قدر بر ما طلوع کند، در حالی

۱. مائده، ۲۷.

۲. نهج البلاغه (للصبحی صالح) (ط . هجرت، ۱۴۱۴ ه. ق.)، حکمت ۱۳۰.

که حتی نتوانسته ایم ماه رجب را به درستی طی کنیم. از سه ماه قبل باید خود را آماده کرد، وگرنه در یک شب و دو شب کار درست نمی شود.

سحرگه رهروی در سرزمینی

همی گفت این مُعَمّا با قرینی

که ای صوفی! شراب آنکه شود صاف

که در شیشه بماند اربعینی

توسل و تعهد با اهل بیت عصمت علیهم السلام برای اصلاح اعمال

مرحوم استاد سعادت پرور نقل می فرمود که شاگردی بعد از تحمّل سفری طولانی، به خدمت استادی از مشایخ قوم می رسد و از او می پرسد: اگر خداوند به شما هزار سال عمر بدهد، اصلی ترین اهتمام خود در سلوک را بر چه قرار می دهید؟ استاد پاسخ می دهد: ۹۹۹ سال در اصلاح عمل می کوشم و یک سال عبادت می کنم. این مضمون، مطلبی است که در آیات مختلف و کلمات اهل بیت علیهم السلام با بیانات گوناگون وارد شده. برای نمونه، این بیان الهی که می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱ اشاره به همین مطلب دارد. این آیه شریفه در سیاق عدم قبول قربانی قایل و پذیرفته شدن عمل هابیل است و ملاک در قبول عمل و در نتیجه میزان مقربیت اعمال عبادی را میزان تقوای سالک دانسته است.

۱. مائده، ۲۷.

با این توضیحات نتیجه می‌گیریم که اصل در ماه رجب «مراقبه» است، لذا لازم است محاسبه‌ی دقیقی در امور خود داشته باشیم و اشکال اصلی در سستی در اعمال را پیدا کنیم؛ چنان‌که مرحوم آیت‌الله بهجت می‌فرماید:

«موجبات خواطر و غفلت و نسیان از یاد و ذکر حضرت حق را خود ما

فراهم می‌کنیم... در اثر محاسبه و مراقبه، عیب کار آشکار می‌گردد.»^۱

توصیه می‌شود هنگام محاسبه‌ی النفس، به وجود مبارک یکی از اولیای الهی علیه السلام توسّل داشته باشیم. در ماه رجب که تعلّق به وجود مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام دارد، بهتر است به ساحت مقدّس ایشان متوسّل شویم و بخواهیم که مانع اصلی در سیر اخلاقی را به ما بفهمانند. در این میان اگر با زیارت امین‌الله توسّل پیدا کنیم خیلی خوب است؛ آن را به روح مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام و یا صدّیقه‌ی طاهره علیه السلام هدیه کنیم؛ که وجود آن بانوفانی در علی علیه السلام بود و حضرت زهرا علیه السلام به هدایای امیرالمؤمنین علیه السلام توجه ویژه دارند. به محضر مبارکش عرضه بداریم که ای ولیّ اولیاء، با تعهد بر این عمل از شما تقاضا می‌کنیم عنایتی بفرمایید و ما را در مسیر قرب الهی امداد خاص بنمایید.

همان طور که پیرامون مراقبه و کنترل جوارح ذکر شد، کار را از ساده شروع کنیم؛ ببینیم مشکل کجا است؛ یک عمل مشخص را پیدا کنیم و بر سر آن با امیرالمؤمنین علیه السلام تعهّد نماییم؛ بگوییم یا علی! ماه رجب ماه تو است، من می‌خواهم بیایم پای معامله! من با عزم راسخ پای کار می‌آیم، تو هم با کرمّت با من معامله کن. پس به محض این‌که در معرض گناه قرار گرفتیم، به یاد قول

۱. در محضر بهجت (ط. سماء قلم، ۱۳۸۲ هـ. ش)، ج ۲، ص ۳۶۴.

و قرارمان با مولی باشیم و محکم پای حرفمان بایستیم؛ «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»^۱. این خانواده اهل کرم اند و قطعاً پاسخ افرادی را که خالصانه در را بکوبند می دهند. حضرت امام خمینی درباره‌ی اهمیت عزم و اراده در سیرو سلوک می فرماید:

«بعضی از مشایخ ما^۲ اطلال الله عمره می فرمودند که عزم جوهری انسانیت و میزان امتیاز انسان است. و تفاوت درجات انسان، به تفاوت درجات عزم اوست. و عزمی که مناسب با این مقام است، عبارت است از بناگذاری و تصمیم بر ترک معاصی و فعل واجبات...»^۳

بیایید در این سه ماه، همان طور که از غذای آلوده اجتناب می کنیم و بر در معده‌ی خود نگهبانی داریم، بر در قلب خود نگهبان بگذاریم؛ «بَوَّاب» گوش مان باشیم، بَوَّاب چشمان خود باشیم، بَوَّاب قلب مان باشیم. چگونه است که برای خوردن غذا و آبی که به فرض مسمومیت ممکن است مدتی ما را بیمار کند و فقط چند ساعت یا حداکثر چند روز آزارمان می دهد، بَوَّاب می گذاریم و آب و غذای آلوده نمی خوریم، اما بَوَّاب قلب مان نیستیم؟! اصل بر این است که ذکر و عبادت به میزان مراقبه ارزش دارد؛ چنان که رسول خدا ﷺ به اباذر فرمود:

۱. بقره، ۴۰.

۲. منظور امام، مرحوم آیت الله شاه آبادی، استاد اخلاق و عرفان ایشان می باشد.

۳. شرح چهل حدیث (ط. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷ ه.ش)، ص ۷.

«يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَ أَقْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ. يَا أَبَا ذَرٍّ التَّقْوَى هَاهُنَا، التَّقْوَى هَاهُنَا، وَأَشَارَ إِلَى صَدْرِهِ»^۱

ای اباذر، خداوند تبارک و تعالی به صورت‌ها و اموال و سخنانی که به زبان می‌رانید نمی‌نگرد؛ بلکه به قلب‌ها و اعمال‌تان نگاه می‌کند. ای اباذر، تقوا در اینجا است! تقوا در اینجا است! و حضرت به سینه‌ی مبارکش اشاره فرمود.

اگر کسی مراقبه‌اش درست نباشد، نه ذکرش فایده دارد، نه نماز و نه روزه‌اش.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رُبَّ صَائِمٍ حَظَّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ، وَرُبَّ قَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ قِيَامِهِ السَّهَرُ»^۲

چه بسا روزه‌داری که بهره‌ی او از روزه‌اش جز گرسنگی و تشنگی نیست، و چه بسا نماز شب خوانی که بهره‌اش از نماز شب، فقط زحمت بیدارخوابی است.

کمر همت ببندیم تا از ابتدای ماه رجب، یک یا دو اربعین را با مراقبه‌ی صحیح به میدان عمل بیاییم؛ که آثار آن را به سرعت خواهیم دید و ماه رجب و شعبان ما با سال‌های قبل بسیار تفاوت خواهد داشت.

بنوش باده و «عزم» وصال جانان کن

سخن شنو که ز نندت ز بام عرش صغیر

۱. مکارم الأخلاق (ط. الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ه.ق.)، الفصل الخامس فی وصیة رسول الله ﷺ لأبي ذر الغفاري رضي الله عنه.

۲. امالی (للطوسی) (ط. دار الثقافة، ۱۴۱۴ ه.ق.)، ص ۱۶۶.

فضیلت روزهی ماه رجب

روزه‌ی ماه رجب بسیار توصیه شده است. مرحوم سید در اقبال به طور مجزا برای افرادی که یک روز، دو روز، تا سی روز ماه رجب را روزه می‌گیرند، فضایی بیان فرموده. البته توصیه نمی‌شود که به خود فشار مافوق طاقتمان بیاوریم؛ که در نتیجه خدای ناکرده روزه‌ی ماه مبارک رمضان از ما فوت شود. درباره‌ی روزه‌ی این ایام، نقل شده که راوی از رسول خدا ﷺ می‌پرسد: اگر تابستان بود و نتوانستیم روزه بگیریم چه کنیم؟ حضرت می‌فرمایند: به ازای هریک روز از روزه‌ی ماه رجب که از شما فوت شد، یک مُد (تقریباً معادل یک کیلو) طعام صدقه بدهید. سپس حضرت می‌فرمایند اگر نتوانستید صدقه دهید، این ذکر را بگویید:

«سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعَزَّوَهُوْلُهُ أَهْلًا»

مرحوم محدث قمی این مطلب را در مفاتیح ذکر نموده و آورده که این ذکر هر روز صد بار گفته شود. لذا اگر کسی نمی‌تواند در ماه رجب روزه بگیرد، این ذکرها را بگوید، یا هر روز به این نیت که روزه‌ی ماه رجب از او فوت شد صدقه بدهد. این کار را برای سایر روزه‌های مستحبی که از انسان فوت می‌شود نیز می‌توان انجام داد.

حتی کسانی که به سفر می‌روند، یا افرادی که عذر شرعی دارند و نمی‌توانند روزه بگیرند، حتماً صدقه بدهند و یا این تسبیحات را بگویند تا از ثواب روزه‌داران بهره‌مند شوند.

اگر بتوانیم سه تا پنج روز از ماه رجب را روزه‌دار باشیم خوب است؛ چه در اعتکاف شرکت کنیم یا نه. بهتر است برای روزه گرفتن در این ماه به خود فشار نیاوریم، اجازه دهیم نشاط در عبادت برای ما وجود داشته باشد. در همه‌ی ماه‌های سال، پنج‌شنبه‌ی اول، چهارشنبه‌ی وسط و پنج‌شنبه‌ی آخر ماه و برخی روزهای خاص به روزه توصیه شده. خوب است که در ماه رجب این ایام را روزه‌دار باشیم؛ علاوه بر آن، در این ماه روزهای عزیزی وجود دارد که روزه در آنها بسیار ارجمند است؛ از جمله روز اول و ایام البیض و به ویژه ۲۷ رجب که یکی از چهار روز سال است که به فضیلت روزه ممتاز است.

فضیلت تحصیل معرفت در ماه رجب

خیلی خوب است که انسان در ماه رجب، مدّت زمانی از روز را به اکتساب معرفت اختصاص دهد. معرفت خاص به این معنا نیست که کتاب‌های اعتقادی را مطالعه کنیم؛ بلکه یعنی هر کس به اقتضای روحیات خود، کتابی روایی یا اخلاقی را که حال خوشی به او می‌دهد و مذکّر است مطالعه کند. مرحوم آیت الله بهجت، کتاب‌های مرحوم سید بن طاووس را توصیه می‌کردند. کتاب‌های افراد صاحب نفس مثل مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی نیز در این باره بسیار مناسب است؛ مثلاً رساله‌ی لقاء الله، اسرار الصلوة، المراقبات، فلاح السائل، محاسبة النفس یا سایر کتب سید بن طاووس، تذکرة المتقین شیخ محمد بهاری، چهل حدیث و یا سایر کتب اخلاقی امام خمینی و دیگر کتب علمی و حالی از این قبیل توصیه می‌گردد. اگر فرصت مطالعه‌ی کتاب نداریم، هر روز یک روایت در باب معاد بخوانیم و

یا مثلاً روایتی در باب توحید بخوانیم و خود را منقلب کنیم. در هر صورت انسان سعی کند که طیّ ماه رجب معرفتی کامل تر کسب کند و قدم به ماه شعبان گذارد.

فضیلت قرائت دعای ناحیه‌ی مقدّسه در ماه رجب

خواندن دعای ناحیه‌ی مقدّسه، توصیه‌ی عمومی است که مرحوم علامه و مرحوم استاد سعادت پرور و میرزا جواد آقا و دیگر بزرگان این مکتب تربیتی در ماه رجب بدان تأکید بسیار می‌کردند. این دعا که در مفاتیح الجنان هم آمده، با این فراز آغاز می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعَ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أُمَمٍ...»

استاد می‌فرمود، از آن جا که رجب ماه ولایت است، در این دعا خداوند به تمام معنا ولایت را تعریف کرده است. مهم تر آنکه این دعا با آن مضامین بلند، از ناحیه‌ی مقدّسه‌ی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده. به این ترتیب، اگر ماه رجب منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، شناخت حقیقت ولایت، با دقّت در ظرائف و لطایف این دعا میسر است. استاد توصیه می‌فرمود که این دعا را در اوقات مختلف این ماه بخوانیم؛ خصوصاً بعد از نماز صبح و یا سایر فرائض و یا در نماز شب در قنوت نماز وتر.

لیلة الرغائب

بر اساس روایات ما، ممتازترین شب‌ها در همه‌ی سال، سه شب است که همگی در این ماه‌های سه‌گانه واقع شده:

اولی شب جمعه‌ی اول ماه رجب است به نام «لیلة الرغائب»، دوم شب نیمه‌ی شعبان که نامش «لیلة البرات» است و دیگر شب‌های قدر در ماه مبارک رمضان که «لیلة القدر» است.

رغائب جمع «رغیبة» است و رغیبة به معنای عطای کثیر است؛ یعنی در چنین شبی، درهای رحمت الهی بی حساب باز است. ترکیب «لیلة الرغائب» اضافه‌ی موصوف به صفت خود است، بدین ترتیب لیلة الرغائب یعنی «اللیلة التي فيها الرغائب» یعنی شبی که در آن عطایای الهی کثیر است، سپس موصوف به صفتش اضافه شد و «لیلة الرغائب» گردید.

صاحب مراقبات، جمال السالکین، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی مطلبی به این مضمون می‌فرماید که ماه رجب اول ورود به میهمانی الهی است و توبیین در این ضیافت الهی با کدامین لباس و زیور بر مولای خود وارد می‌شوی.

تلطیف عمل مهم‌تر از تکثیر در عمل است؛ لذا در اولین شب جمعه‌ی ماه رجب که شب عطای خاص الهی است، اولین دعایمان مغفرت و طلب استعداد ورود به ضیافت خاص الخاص پروردگار باشد؛ تا در همان شب جمعه‌ی اول پاک شویم و اجازه‌ی ورود به سرای محبوب را در همه‌ی ضیافت سه‌ماهه داشته باشیم. در حالی که در ماه رمضان این طور نیست، شب قدر آن در آخر ماه است که این حساب دیگری دارد. درباره‌ی اعمال مخصوص این شب، به آنچه در مفاتیح الجنان آمده اکتفا می‌کنیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: غافل از اولین شب جمعه‌ی ماه رجب نشوید که ملائکه، آن شب را «لیلة الرغائب» نامیدند. این بیان پیامبر صلی الله علیه و آله که ملائکه چنین نامی بر این شب نهادند، از آن روست که آن‌ها عالم بالا را می‌بینند و

مشاهده می‌کنند که چگونه کرور کرور عطای کثیر و نعم و رحمت‌های خاص الهی در آن شب سرازیر است؛ لذا می‌گویند این شب، شب عطای کثیر است.

سپس حضرت می‌فرمایند: زمانی که یک سوم از شب گذشت، تمام ملائک آسمان و زمین به عالم دنیا می‌آیند و گرد خانه‌ی خدا طواف می‌کنند و خداوند توجه خاص به ملائکه‌ی خود می‌کند. توجه کنیم که خیلی اوقات ملائک زمینی برای انسان دعا می‌کنند، ولی در آن شب عزیز، ملائکه‌ی آسمانی، یعنی میکائیل و جبرائیل و اسرافیل و ملائکه‌ی مقدّس الهی که دعایشان قطعاً مستجاب است، دست به دعا برمی‌دارند. خداوند به ملائکش می‌فرماید در این شب هر دعایی دارید بخواهید تا من اجابت کنم، و ملائک دعا می‌کنند: خدایا، روزه‌داران ماه رجب را بیامرز.^۱

شب و روز مبعث

یکی از بزرگ‌ترین جلوه‌های الهی در ماه رجب، شب و روز مبعث است که مفتخر به بعثت رسول اکرم ﷺ می‌باشد؛ چنان‌که در دعای روز مبعث می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالنَّجْلِ الْأَعْظَمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ وَالْمُرْسَلِ الْمَكْرَمِ.»

خدایا، به مولود [تجلی] اعظم تو در این روز از ماه گرامی و به رسول مکرم ﷺ، از تو درخواست می‌کنم.

^۱. إقبال الأعمال (ط، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ج ۲، ص ۶۳۲: فصل فیما نذکره من عمل أول جمعة من شهر رجب.

و همان طور که نگین ماه مبارک رمضان، شب و روز قدر است، از دعا‌های روز مبعث معلوم می شود که نگین ماه رجب نیز شب و روز مبعث است؛ که می فرماید:

«اللَّهُمَّ وَهَذَا رَجَبُ الْمُكْرَمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ، أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرْمِ، أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَأَسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِسَفَاعَتِكَ.»

معبودا، و این ماه ارجمند رجب است که ما را به آن گرامی داشتی، اولین از ماه‌های حرام که ما را بدان در میان امت‌ها گرامی داشتی؛ پس حمد و سپاس از آن توست ای صاحب جود و کرم. و از تو درخواست می‌کنم به واسطه‌ی آن و به اسم اعظم و برتر و بزرگوartرت که آن را آفریدی و در سایه‌ات قرار گرفت و هرگز از تو به غیر تو خارج نشد، که بر حضرت محمد ﷺ و اهل بیت طاهرینش ﷺ درود فرستی و ما را در زمره‌ی عمل‌کنندگان به طاعت و آرزومندان به شفاعت در این ماه قرار دهی.

و معلوم می شود که با بعثت رسول خدا ﷺ، نعمت الهی بر همه‌ی خلایق به طور کامل تجلی کرد. و با توجه به آنکه از اهم اعمال شب مبعث، زیارت امیرالمؤمنین علی ﷺ است. بنابراین عبارت تجلی اعظم و اسم اعظم الهی مقام نوری این دو بزرگوار است. لذا می باید با طی مدارج اوقات شریف در ایام ماه رجب مستعد درک حقیقت شب و روز این وقت شریف شد و با توسل به این دو نور مقدس تقاضای معرفت به حقیقت ولایت را از خداوند

طلب نمود؛ چنان‌که از دعا‌های ادامه‌ی عبارت فوق، این نکات استفاده می‌شود:

«اللَّهُمَّ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ وَ مُلْكٍ جَزِيلٍ، فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.»

خدایا، ما را به راه راستی رهنمون کن و آسایشگاه ما را نزد خود و زیر سایه‌ی گسترده‌ات، بهترین قرار ده، زیرا تو برای ما کافی هستی و چه کارگزار خوبی.

خلاصه آنکه با بهره‌مندی از لحظه‌لحظه‌ی ماه رجب، خود را آماده‌ی ورود به ماه شعبان و رمضان نماییم و عمرمان را با نورانیت این سه ماه نورانی کنیم؛ که مولی در نصیحت به نوف بکالی فرمود:

«إِلَهِي، إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ الْوُلُوعُ بِذِكْرِكَ وَلَمْ يَزُوهِ السَّفَرُ بِقُرْبِكَ، كَانَتْ حَيَاتُهُ عَلَيْهِ مَيَّةً وَمَيَّتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَةً.»^۱

معبودا! همانا هرکس را که آزمندی و علاقه‌ی شدید به یادت سرگرمش نسازد، و سفر به قرب و نزدیکی‌ات به کناره‌گیری‌اش و اندارد، زندگانی‌اش برای او مرگ، و مرگش حسرت برای او خواهد بود.

نعیم هردو جهان پیش عاشقان بجوی

که این متاع قلیل است و آن بهای حقیر

بنوش باده و عزم وصال جانان کن

سخن شنو که ز نندت ز بام عرش صغیر

۱. بحار الأنوار (ط. دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ.ق.)، ج ۹۱، ص ۹۵.

فصل چهارم: مختصری پیرامون اعتکاف

اصل در اعتکاف دو امر است:

مطلب اول که مقدمه‌ی امر دوم است، عزلت در اعتکاف و اشتغال به خود و عبادت خالصانه و فکر و ذکر و تلاوت قرآن در ایام البیض است. از آنجا که بحمد الله سنت اعتکاف در این ایام احیاء شده، در اینجا پیرامون اهمّیت عزلت و تنهایی در ایام اعتکاف توضیح بیشتری می‌دهیم:

مختصری پیرامون عزلت

انسان در طول سال، به دلیل ارتباطات گسترده‌ی اجتماعی، گرفتار انواع اشتغالات روزمره می‌شود. اشتغالات غیرتوحیدی، ولو عمل حرامی نباشد، فرد را از توجه به خود و اصلاح امور آخرت و خصوصاً انس با پروردگار باز می‌دارد؛ چنان‌که خداوند در دستور به نماز شب خطاب به رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۱

و پاسی از شب را با [خواندن] قرآن زنده بدار، که برای تو [واجبی] افزون [بر وظایف امت] است؛ امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند. و سپس دلیل تأکید بر عبادت شبانه را کثرت اشتغالات روزانه بیان می‌دارد و می‌فرماید:

۱. الإسراء، ۷۹.

﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا﴾^۱

تورا در روز آمد و شدی دراز و طولانی (در امور مردم) است.

«عزلت» به معنای انفراد و انتخاب اوقاتی خلوت برای خود در دوران عمر است. عزلت دارای مراتب گوناگونی بوده است که برخی از آنها به عموم مردم توصیه شده و مراتب بالاتر آن - به تناسب بالا رفتن مرتبه‌ی مراقبه - به خواص در اوقات خاصّی توصیه می‌شده. ایام اعتکاف از جمله اوقات اعتزال خواص است. برای بیشتر روشن شدن این مسئله به اختصار به مراتب عزلت اشاره‌ای می‌کنیم.

مرتبه‌ی اوّل عزلت: دوری از اهل معصیت

این مرتبه از عزلت، ابتدایی‌ترین توصیه به عموم مؤمنین است؛ زیرا فاصله گرفتن در ارتباط با اهل معصیت، وظیفه‌ی همه و در همه‌ی اوقات است. ضرورت این مرتبه از عزلت به حدّی روشن است که نیازی به استدلال ندارد؛ زیرا نفوس در ارتباطات با یکدیگر، از هم شکل می‌گیرند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمود:

«الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ»^۲

انسان بر دین دوست و هم‌نشینش است؛ پس مراقب باشید با که رفت و آمد و معاشرت می‌کنید.

۱. المزمل، ۷.

۲. الأمالی (للطوسي) (ط. دار الثقافة، ۱۴۱۴ هـ.ق.)، ص ۵۱۸، ح ۱۱۳۵.

در نتیجه، مجالست با اهل معصیت و افراد سفیه، ناخودآگاه نفس را آلوده و به سوی گناه و سفاهت در دین سوق می‌دهد.
امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«فَسَادُ الْأَخْلَاقِ بِمُعَاشَرَةِ السُّفَهَاءِ، وَصَلَاحُ الْأَخْلَاقِ بِمُنَافَسَةِ الْعُقَلَاءِ»^۱

فساد اخلاق به واسطه‌ی معاشرت با آدم‌های نادان رخ می‌دهد و اصلاح اخلاق به واسطه‌ی هم‌نشینی با عقلاست.

از طرف دیگر، فطرت الهی انسان‌ها که ذاتاً میل به توحید و فضائل توحیدی دارد، در اثر ارتباط با نفوس پلید و قلوب منکوس، صورت آنها را به خود می‌گیرد و حیات الهی خود را از دست می‌دهد؛ در نتیجه، استعداد کمال و تعالی به معارف و مدارج بلند الهی از انسان گرفته می‌شود؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله، از جمله عوامل مرگ دل‌ها را آلوده شدن های متعدد به گناهان و خوش‌گذرانی با زنان نامحرم و اهل فساد و رفت و آمد با انسان‌های نابخرد و مجالست فراوان با افراد خوش‌گذران بیان فرمودند.^۲

مرتبه‌ی دوم عزلت: عزلت از اهل دنیا (خلوت خاص)

این مرتبه، توصیه به خواصّ از مؤمنین است؛ زیرا در فرهنگ دین، محبت دنیا ریشه‌ی همه‌ی مفسد و گناهان است؛ تا به آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. بحار الأنوار (ط. دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ.ق)، ج ۷۸، ص ۸۲.

۲. الخصال (ط. جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ هـ.ش)، ص ۲۲۸.

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَسَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ»^۱

دنیا دوستی، ریشه‌ی هر خطا، کلید هر گناه و سبب بی‌حاصل شدن هر کار نیکی است.

براین اساس است که مبنای عزلت مرتبه‌ی دوم شکل می‌گیرد و خداوند به رسول خود ﷺ دستور می‌دهد با اهل دنیا، که دین خدا برای آنان ابزاری در دنیا طلبی است، رفت و آمد نداشته باشد:

﴿وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا﴾^۲

و کسانی را که دین خود را بازیچه گرفتند و زندگی دنیا فریبتان داده به حال خود واگذار.

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام نیز در این رابطه، ریشه‌ی آغازین سلوک در توحید را اعتزال از دنیا طلبان و انس با اهل الله بیان می‌دارند:

«فِي اعْتِزَالِ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا جَمَاعُ الصَّلَاحِ»^۳

عزلت و گوشه‌گیری از اهل دنیا موجب آمیختن با نیکی‌هاست.

مرحوم علامه‌ی طباطبایی می‌فرمود:

۱. إرشاد القلوب (ط. الشريف الرضي، ۱۴۱۲ هـ.ق.)، ص ۲۱؛ أعلام الدين (ط. مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق.)، ص ۳۴۰؛ عن أبي هريرة؛ عدّة الداعي (ط. دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ.ق.)، ص ۲۹۴؛ كلاهما نحوه، بحار الأنوار (ط. دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ.ق.)، ج ۷۷، ص ۱۸۲، ح ۱۰.

۲. انعام، ۷۰.

۳. غرر الحكم (ط. دار الكتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ هـ.ق.)، ص ۴۷۹.

«گوشه نشینی، ملازم با معرفت و یا موجب آن نیست؛ ولی کسی که می خواهد اهل معرفت شود، باید معاشرتش را مخصوصاً با اهل غفلت و اهل دنیا کم کند و فرش هر مجلسی نباشد و کار شبانه روزی او در مجالس بیهوده صرف نشود و از معاشرت های بی فایده و بی مغز تا می تواند اجتناب نماید و طوری نشود که با همه و در هر مجلسی حاضر شود.»^۱

مرتبه ی سوم: خلوت اخصّ خواص

این مرتبه ی از عزلت، توصیه ای موقت و در اوقات خاص به اخصّ خواصّ از مؤمنین است، تا بتوانند در آن اوقات به طور کامل از غیر حق منقطع و متوجّه پروردگار باشند.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«الْعُزْلَةُ أَفْضَلُ شَيْمٍ الْأَكْيَاسِ»^۲

گوشه گیری، برترین خصلت زیرکان است.

این مرتبه از عزلت در اوقات خاصّی از زندگی همه ی انبیاء و اولیای الهی علیهم السلام دیده می شود؛ چنان که اربعینیات حضرت موسی علیه السلام در کوه طور و یا رسول اکرم صلی الله علیه و آله در غار حرا و اعتکاف حضرات مریم علیها السلام و زکریا علیه السلام در مسجد، شواهد قرآنی آن است. با چنین عزلت هایی باب رحمت خاص پروردگار بر اولیاء باز می شود و باب گشایش های توحیدی در سلوک الی الله بر

۱. در محضر علامه ی طباطبائی (ط. سماء قلم، ۱۳۸۲ ه. ش.)، ص ۳۶۵.

۲. غرر الحکم (ط. دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ه. ق.)، ۱۴۱۴.

سالکان باز می‌گردد؛ چنان‌که خداوند درباره‌ی عزلت اصحاب کهف می‌فرماید:

﴿وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْثُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا^۱﴾

اینک که از آنها و از آن خدایان که غیر از خداوند می‌پرستند گوشه‌گرفته اید، پس به سوی غار رهسپار شوید تا پروردگارتان رحمت خویش را بر شما بگسترد و برای شما در کارت‌ان گشایشی فراهم کند.

براین اساس است که عزلت و بیتوته نمودن در مساجد، سیره‌ی همه‌ی بزرگان اهل معنا بوده است؛ چنان‌که درباره‌ی مرحوم ملا حسین‌قلی همدانی نقل شده که در شب‌های تابستان، غالباً چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه، همراه با شاگردان در مسجد سهله اعتکاف داشتند. و یکی از رهنمودهای مرحوم قاضی به شاگردانش، عبادت و بیتوته در مساجد و مکان‌های متبرکی مانند مسجد کوفه و سهله بود. ایشان خود در مسجد کوفه و سهله حجره داشت و بعضی شب‌ها را به تنهایی در آن حجرات بیتوته می‌کرد. مرحوم علامه‌ی طباطبایی درباره‌ی حالات استاد در این اعتکاف‌ها می‌فرمود:

«باز مطلبی را خود از استاد- رضوان الله تعالی علیه- شنیدم، ولی رفقا از استاد نقل می‌کردند که آن بزرگوار شبی در مسجد کوفه بیتوته نموده بودند

^۱. کهف، ۱۶.

و می فرمودند: «دیشب، در و دیوار مسجد با تسبیح خود نگذاشتند تا صبح بخوابیم.» این همان در و دیواری است که دیگران هم خوابیده بودند و هیچ نمی شنیدند. معلوم می شود وضع و حال استاد به گونه ای بوده که چنین شنوایی را داشته اند، نه آن که در سنگ و آجر تغییری پیدا شده بود.^۱

شرایط مکان اعتکاف

اعتکاف باید در مسجد باشد و احکام خاصی دارد که در رساله های عملیه به آنها اشاره شده. با توجه به نکاتی که در مراتب عزلت اشاره شد، معتکف باید حتی الامکان شرایطی را به وجود آورد که اعتکاف او به عزلت مرتبه ی سوم نزدیک شود. در این مختصر، اشاره ای به اهمّ این امور می نمایم:

در یک نگاه کلی، می توان گفت که اعتکاف ظرف ذکر الهی در بیت الله - یعنی مسجد - است. لذا لازم است که حتی الامکان شرایط و مستحباتی که در هنگام ذکر لازم است و تحصیل حضور قلب می نماید در اعتکاف فراهم شود. برخی از اهمّ این موارد به قرار ذیل است:

۱- به حدّاقل رسانیدن عوامل مزاحم ذکر.

اصل در اعتکاف، انتخاب شرایطی جهت انقطاع از غیر حق است؛ چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

^۱. راز دل (ط. احیاء کتاب، ۱۳۸۲ ه. ش.)، ص ۲۳۰.

«الْوُصْلَةُ بِاللَّهِ فِي الْإِنْقِطَاعِ عَنِ النَّاسِ»^۱

وصول به حضرت حق، در انقطاع از مردم است.

بنابراین، باید همه‌ی اموری که به نحوی موجب خواطر و تشویش حال می شود به حداقل برسد. مرحوم آیت الله سید مهدی بحرالعلوم در رساله‌ی سیرو سلوک خود، پیرامون مکان خلوت خاص و ذکر می فرماید:

«و اما خلوت خاص^۲؛ پس اگر چه در جمیع عبادات و اذکار خالی از فضل نیست، و لکن در طایفه‌ای از اذکار کلامیه - بلکه در جمیع آن‌ها - در نزد مشایخ طریقت شرط است. و مراد اهل اوراد از خلوت، این قسم است. و شرط است در آن، وحدت و دوری از محلّ ازدحام و غوغا، و استماع صوت مشوّش حال، و حَلِّیَّتِ مکان و طهارت آن، حتّی السقف و الجدران، و باید گنجایش آن به قدر ذاکر و عبادت او باشد و بس. و قول عیسی عَلَيْهِ السَّلَام «وَلْيَسَعَكَ بَيْتُكَ»^۳ اشاره به آن است. و بهتر آن است که يك در داشته باشد، و روزن و فرجه نداشته باشد»^۴.

تأکید بر کوچکی و خلوتی و یک در داشتن محل ذکر و نماز، بیانگر شدّت اهتمام اهل معنا در خالی بودن محل ذکر از عوامل مزاحم است. چنانکه غار

۱. غرر الحکم (ط. دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ هـ.ق)، ۱۷۵۰.

۲. شاید بتوان این قسم خلوت را از وسایل الشیعه (ط. مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ج ۳، ص ۵۵۴، باب ۶۹ از ابواب مساجد، استفاده نمود.

۳. در مصباح الشریعه (ط. اعلمی، ۱۴۰۰ هـ.ق)، باب ۲۴ این مضمون از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده و نیز در مستدرک (ط. مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام، ۱۴۰۸ هـ.ق)، ج ۲، ص ۸۹، روایت ۱۷ آمده است. نیز این جمله در مواظ رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به علی عَلَيْهِ السَّلَام است که: «يَا عَلِيُّ، ثَلَاثُ مُنْجِيَاتٍ، تَكْفُفُ لِسَانَكَ وَتُبْكِي عَلَى خَطِيئَتِكَ وَيَسَعُكَ بَيْتُكَ» (بحار الأنوار (ط. دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ.ق)، ج ۷۷، ص ۶۴).

۴. رسائل عرفانی (ط. تشیع، ۱۳۹۰ هـ.ش)، ص ۹۳.

«حِرا» به لحاظ وسعت و موقعیت شاهی برای این مطلب است. لذا توصیه می‌شود مسجدی انتخاب شود که حتی الامکان خلوت و از وجود افراد مزاحم ذکر خالی باشد و افراد شرکت کننده در اعتکاف، اهل ذکر و مناجات و مشوّق یکدیگر در انس با پروردگار باشند.

آوردن وسایل ارتباط با خارج از محیط اعتکاف باید به حداقل برسد؛ مثلاً استفاده از تلفن همراه و خصوصاً مشغولیت به فضاهای مجازی و شبکه های اجتماعی، که عملاً با انقطاع سازگار نیست، ممنوع است.

به همین ترتیب، استفاده از کامپیوتر و سایر وسایل، ولو در جهات علمی و کار درسی باشد، جایز نیست. معتکف در این ایام باید پیوسته در حال محاسبه‌ی گذشته و فکر و ذکر و نماز و یا تلاوت آیات قرآن و برنامه‌ریزی برای آینده‌ی توحیدی خود باشد و فرض را بر این بگذارد که ناچار است به واسطه‌ی بیماری، برای مدّت سه روز، به طور کامل بستری شود و هیچ ارتباط حقیقی و یا مجازی با بشری نداشته باشد تا انقطاع واقعی برای او حاصل شود.

۲- صمت خاص و یا سکوت مطلق

صمت و عزلت در اعتکاف قرین یکدیگرند. در نتیجه، اگر خلوت عام و یا خاص و یا اخصّ است، صمت نیز باید در همان مرتبه قرار گیرد. لذا در اعتکاف که بنا بر خلوت خاص و یا اخصّ است، معتکف باید حتی الامکان از سخن گفتن به گزافه و حتی غیر آن پرهیز نماید، تا درهای کلام باطن بر او باز شود و بتواند معارف توحیدی را از ادعیه و آیات قرآنی که در این ایام تلاوت می‌کند بشنود.

۳- سَهَر و بهره‌مندی از نماز شب

شعر زیر میان اهل معنا معروف است و همه‌ی دستورات ابتدایی در سلوک الی‌الله در آن جمع شده:

صَمْتُ و جُوع و سَهَر و عَزَلْتُ و ذِکْرُی به دوام

ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

در اعتکاف، روزه از شرایط ضروری است؛ ولی روزه‌دار در هنگام سحر و افطار باید سعی کند که تغذیه‌ی خود را به میزانی تنظیم کند که مُخِلّ حال او در ذکر و تلاوت نشود. بعد از تحصیل صمت و عزلت، بهترین زمان برای ذکر نیمه‌های شب و هنگام سحر است. در این اوقات، علاوه بر نماز شب و نیز اعمال مأثوری که در کتب ادعیه ذکر شده، می‌توان با برنامه‌ریزی، دعا‌های پرمعنا و مناسب حال خود را انتخاب و از آنها بهره برد؛ که از جمله بهترین آنها، مناجات خمس عشره، مناجات شعبانیّه، دعای کمیل و نیز دعا‌های خاصّ ماه رجب و سایر ادعیه‌ای است که در کتب دعایی (به خصوص صحیفه‌ی سجّادیّه) موجود است.

در این میان، می‌توان در حدّ توان، سوره‌های طولانی‌تر را در نماز شب انتخاب نمود تا هم نافله‌ی شب به جا آورده شود و هم از ثواب بیشتر تلاوت قرآن در نماز بهره برد. نیز اگر بتوان نماز شب خود را به سبک رسول خدا ﷺ انجام داد بهتر است، و در بین نماز شب و یا بعد از آن و قبل از اذان صبح، سجده‌ی طولانی با اذکار استغفاری و یا تسبیحی داشت.

فکر و برنامه ریزی برای آینده

اوقات فراغت در اعتکاف، بهترین زمان برای فکر و برنامه ریزی آینده در مسائل توحیدی است؛ تا زمان و سرمایه‌ی عمر در بهترین‌ها صرف شود. چنین تفکری است که در بیانات اولیای الهی علیهم‌السلام حیات قلب و کلید درهای حکمت است؛ چنان‌که مولا علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ وَمَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ.»^۱

بر شما باد به تفکر؛ که تفکر، حیات قلب انسان بصیر و کلید درهای حکمت است.

و چنین تفکری است که از عبادت یک سال با ارزش‌تر است. چنان‌که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

«تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ» (إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ).^۲

حسن صیقل، راوی این حدیث، می‌گوید: به خدمت امام صادق علیه‌السلام رفتم و درباره‌ی ارزش فکر و چگونگی آن سؤال کردم. حضرتش ضمن تکرار بیان فوق، از قول رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«يَمُرُّ بِالْخُرْبَةِ وَبِالدَّارِ فَيَتَفَكَّرُ، فَيَقُولُ: أَيَنْ سَاكِنُوكِ؟ وَأَيَنْ بَانُوكِ؟ مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ؟»^۳

۱. أعلام الدين (ط. مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق)، ص ۲۹۷.

۲. بحار الأنوار (ط. دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ.ق)، ج ۷۱، ص ۳۲۷، ح ۲۲.

۳. الكافي (ط. الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ.ق)، ج ۲، ص ۵۴؛ باب التفكير، ح ۲؛ بسند آخر عن أبان، وليس فيه من «قال نعم» إلى «قيام ليلة»؛ المحاسن (ط. دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۱ هـ.ق)، ج ۱، ص ۹۴؛ باب ثواب التفكير في الله، ح ۵۶؛ بسند آخر عن جعفر بن أبان، عن الصيقل؛ مشكاة الأنوار (ط. المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ هـ.ق)، ص ۸۱؛ باب في التفكير، ح ۱۵۵؛ مرسلًا عن الصيقل، عن أبي عبد الله عليه‌السلام؛ وفي كلها مع اختلاف يسير. بحار الأنوار (ط. دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ.ق)، ج ۷۱، ص ۳۲۴؛ باب التفكير، ... ذيل ح ۱۶.

برویرانه‌ای یا از کنار خانه‌ای گذر کند، به فکر فرورود و بگوید: ساکنان تو کجایند؟ و سازندگان تو کجایند؟ چرا سخن نمی‌گویی؟
بنابراین، اولین فکر در اوقات خلوت، محاسبه‌ی گذشته‌ی خود، چگونگی اصلاح کاستی‌ها و توبه‌ی از گناهان و عبرت از دیگران در برنامه‌ریزی آینده‌ی خود است.

عمده‌ی اعمال مشهور در این ایام، عمل ام‌داوود و دعای پایانی آن و گریه و ابتهال در درگاه الهی است. در روایت است که گریه در سجده‌ی پایانی دعا، علامت استجاب آن است.^۱

مختصری درباره‌ی عمل ام‌داوود

مرحوم سید بن طاووس در اقبال می‌نویسد: «زمانی که منصور عباسی، عبد الله بن حسن علیه السلام را به همراه گروهی از آل ابی طالب زندانی کرد و دو پسر عبد الله بن حسن علیه السلام، یعنی محمد و ابراهیم را به قتل رساند، در این زمان داوود بن حسن بن حسن علیه السلام را نیز گرفت و با غل و زنجیر از عراق به مرکز حکومت خویش انتقال داد. او پسر دایه‌ی امام جعفر صادق علیه السلام بود؛ زیرا «ام‌داوود» مادر رضاعی امام صادق علیه السلام بود و مادر داوود به ایشان شیر داده بود.

ام‌داوود می‌گوید: مدت زمانی پسرم نیامد و خبری از او در عراق به گوشم نرسید. در این زمان، پیوسته به درگاه خداوند دعا و تضرع نموده و از برادران دینی و کوشا در عبادت، می‌خواستم که در این باره به درگاه خدا دعا کنند، ولی اثری از اجابت دعا نمی‌دیدم، تا این‌که روزی برای عیادت به محضر

۱. مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۷۲۰.

حضرت جعفر بن محمد علیه السلام وارد شدم و پس از پرس و جواز حال آن حضرت و دعا برای ایشان، آن بزرگوار فرمود: ای امّ داوود، از داوود که من برادر رضاعی او هستم، چه خبر؟ عرض کردم: ای آقای من، داوود کجاست، در حالی که مدت زمان طولانی است که او را از من جدا و در عراق زندانی کرده اند. فرمود: چرا دعای استفتاح را نمی خوانی، همان دعایی که درهای آسمان برای اجابت آن گشوده می گردد و دعاکننده بی درنگ اثر اجابت را می بیند و در برابر آن، در نزد خداوند متعال پاداشی به جز بهشت ندارد؟ عرض کردم: این دعا چگونه است ای پسر راستگویان؟! فرمود: ای امّ داوود، ماه حرام بزرگ، ماه رجب، نزدیک شده است و این ماه، ماهی است که دعا در آن به اجابت می رسد و این ماه، ماه اصمّ خدا است. سپس حضرت دستور اعمال معروف به ام داوود را به او یاد داد. سپس فرمود: «آنچه را که به تو آموختم حفظ کن و مبادا آن را به کسی بیاموزی تا برای هدف نادرست و باطلی دعا کند؛ زیرا اسم اعظم خداوند در آن نهفته است، همان اسمی که هرگاه بدان دعا شود، خداوند اجابت می کند و هرگاه با توسل به آن از خدا درخواست شود، عطا می کند. اگر آسمان ها و زمین و دریاها به روی انسان بسته باشند و حاجت تواز گشوده شدن آن ها بزرگ تر باشد، خداوند راه رسیدن به آن را برای تو آسان خواهد نمود و اگر همه ی جّیان و انسان ها دشمن تو باشند، خداوند تو را از مزاحمت آن ها کفایت نموده و آن ها را ذلیل و خوار خواهد نمود.»

امّ داوود می گوید: «دعای یاد شده را نوشتم و از محضر امام صادق علیه السلام خارج شدم، تا این که ماه رجب فرا رسید و به آن چه آن حضرت فرموده بود، عمل کردم. شبی، در اواخر شب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و تمام فرشتگان و پیامبرانی را که در دعای گذشته بر آنان درود فرستادم، در خواب دیدم، در

حالی که آن حضرت به من می فرمود: ای امّ داوود، به تو و همه ی برادرانت مژده باد، که همگی برای تو شفاعت خواهند کرد و تورا به برآوردن حاجت مژده می دهند و تورا بشارت باد که خداوند متعال تو و فرزندت را حفظ نموده و آن را به تو باز می گرداند. از خواب بیدار شدم و فقط به اندازه ی فاصله ی عراق تا مدینه برای سواری که مرکبش را تند و با شتاب براند، گذاشته بود که داوود به خانه بازگشت. از حال او پرسیدم. گفت: تا روز نیمه ی رجب، در بند و زنجیر و در بدترین زندان ها بودم. وقتی شب شد، در خواب دیدم که گویی زمین برای من درنور دیده شد و دیدم که تو بر روی حصیر مخصوصی که بر روی آن نماز می گزاری، نشسته ای و مردانی در کنار تو نشسته اند که سرهایشان در آسمان و پاهایشان در زمین است و مشغول تسبیح خدا هستند. یکی از آنان که صورتی زیبا و لباسی پاکیزه و بویی خوش داشت و به گمان من، رسول خدا ﷺ بود، به من گفت: ای پسر پیرزن شایسته، تورا بشارت باد! که خداوند دعای مادرت را اجابت نمود. از خواب بیدار شدم و دیدم که پیک های منصور دم در ایستاده اند. در دل شب، مرا به حضور منصور بردند و او دستور داد که زنجیر از دست و پای من باز نموده و به من نیکی و احسان کنند و نیز دستور داد که ۱۰ هزار درهم به من بدهند و بر شتر راهوار سوار کرده و با سرعت و شتاب برانندند، تا این که وارد مدینه شدم.» امّ داوود در ادامه می گوید: «داوود را به خدمت امام صادق علیه السلام بردم. فرمود: منصور، امیر مؤمنان علیه السلام را در خواب دید و ایشان به او فرمود: فرزندم را آزاد کن، وگرنه تورا در آتش جهنم می افکنم و او خود را در حالی دید که گویی زیر پاهایش آتش جهنم قرار دارد. از خواب بیدار شد و مجبور شد که تورا - ای داوود - آزاد کند.»

از این داستان برمی آید که اصل در این سه روز «ایام البیض»، روزه داری و عزلت است و معتکف شدن در مسجد در درجه ی دوم قرار دارد. و لذا اگر کسی موفق به اعتکاف نشد بهتر است مانند ایام ماه مبارک رمضان حجم کار متعارف را کمتر کند و بیشتر به خود و امور عبادی بپردازد، تا روز نیمه ی ماه رجب که شب آن از جمله افضل شب های سال است و روز نیمه ی رجب نیز مانند روز عرفه اختصاص به دعا و استغفار و تلاوت آیات الهی دارد و یکی از چهار روز سال است که به شرف روزه ممتاز است.

مرحوم سید در اقبال روایتی را از حضرت آدم علیه السلام نقل می کند که به پروردگار عرضه داشت:

«يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِأَحَبِّ الْأَيَّامِ إِلَيْكَ وَأَحَبِّ الْأَوْقَاتِ. فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ: يَا آدَمُ، أَحَبُّ الْأَوْقَاتِ إِلَيَّ يَوْمَ النَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ. يَا آدَمُ، تَقَرَّبْ إِلَيَّ يَوْمَ النَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ بِقُرْبَانٍ وَ ضِيَا فَةٍ وَ صِيَامٍ وَ دُعَاءٍ وَ اسْتِغْفَارٍ وَ قَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.»

پروردگارم، محبوب ترین روزها و محبوب ترین اوقات در نزد توحه زمانی است؟ پس خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرمود: ای آدم، محبوب ترین روزها نزد من روز نیمه ی رجب است. ای آدم، در این روز با قربانی و میهمانی گرفتن و روزه و دعا و استغفار و گفتن «لا اله الا الله» به من نزدیکی بجوی.

خداوند در ادامه به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «در فرزندان پیامبری را قرار می‌دهم که حلیم و رحیم و کریم است...» و صفات دیگری را برمی‌شمرد و سپس درباره‌ی ماه رجب و فضیلت امت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«...أَخْصَهُ وَأُمَّتُهُ بِيَوْمِ النَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ لَا يَسْأَلُونِي فِيهِ شَيْئاً إِلَّا أُعْطِيَتْهُمْ وَلَا يَسْتَغْفِرُونِي إِلَّا غَفَرْتُ لَهُمْ وَلَا يَسْتَزِفُونِي إِلَّا رَزَقْتُهُمْ وَلَا يَسْتَقِيلُونِي إِلَّا أَقَاتُهُمْ وَلَا يَسْتَزَحْمُونِي إِلَّا رَحِمْتُهُمْ. يَا آدَمُ، مَنْ أَصْبَحَ يَوْمَ النَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ صَائِماً ذَاكِراً خَاشِعاً حَافِظاً لِفَرْجِهِ مُتَصَدِّقاً مِنْ مَالِهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ جَزَاءٌ عِنْدِي إِلَّا الْجَنَّةُ. يَا آدَمُ، قُلْ لَوْلَاكَ أَنْ يَحْفَظُوا أَنْفُسَهُمْ فِي رَجَبٍ فَإِنَّ الْخَطِيئَةَ فِيهِ عَظِيمَةٌ.»^۱

...او و امتش را با روز نیمه‌ی رجب مخصوص می‌گردانم؛ که در آن روز هیچ چیزی از من نمی‌خواهند، مگر آنکه به ایشان می‌دهم و طلب مغفرت نمی‌خواهند، مگر اینکه آنان را می‌بخشم و درخواست رزق و روزی نمی‌کنند، مگر اینکه عطایشان می‌کنم و از من بخششی نمی‌خواهند مگر اینکه به ایشان می‌دهم و رحمتی نمی‌خواهند مگر اینکه برایشان ترحم می‌نمایم. ای آدم، کسی که روز نیمه‌ی رجب را در حال روزه و ذاکر و خاشع و حافظ حریم اخلاق خود باشد و صبح نماید و از مالش صدقه دهد، نزد من هیچ جزایی مگر بهشت ندارد. ای آدم، به فرزندان بگو که خود را در رجب حفظ نمایند که خطا در این ماه بزرگ است.

^۱ إقبال الأعمال (ط، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ج ۲، ص ۵۷: فصل فیما نذکره من أسرار استقبال یوم النصف من رجب.

ای بی خبر! بکوش که صاحب خبر شوی

تا راه بین نباشی، کی راهبر شوی؟

دست از مس وجود، چو مردانِ ره بشوی

تا کیمیای عشق بیابی و زرشوی

خواب و خورت ز مرتبه‌ی عشق دور کرد

آن دم رسی به دوست که بی خواب و خور شوی

گر نور عشق حق به دل و جان افتد

بالله کز آفتابِ فلک خوب تر شوی

از پای تا سرت، همه نور خدا شود

در راه ذوالجلال، چو بی پا و سر شوی